

بار دیگر منعقد گشت تجارت ایران توسعه یافت و بخصوص از ربع آخر قرن سیزدهم هـ ق. بعد تجارت خارجی ایران بر اثر ساخته شدن راههای شوسه و برقراری خطوط تلگرافی و همچنین تأسیس شعبه‌های بانکی توسط دولتهای خارجی که برای حفظ نفوذ سیاسی و اقتصادی خود بر قابت با یکدیگر پرداخته بودند رشد و اهمیت یافت و ایران با اغلب دولتهای غربی قراردادهای تجارتی منعقد کرد و در بیشتر شهرهای مهم ایران بخصوص در نواحی شمالی و جنوبی شرکتها و سازمانهای تجارتی بوسیله اتباع بیگانه و ایرانیان گشوده شد همچون:

تجارتخانه تومانیانس که از مهمترین بنگاههای اقتصادی ایران بود و در رشته‌های مختلف صادرات، واردات، ملکداری و بانکداری کشور تأثیر بسزایی داشت.

تجارتخانه جهانیان: که در سال ۱۲۷۴ هـ. ش (مطابق ۱۸۹۵ م) تأسیس شد و در شهرهای یزد، تهران، اصفهان، شیراز، کرمان، بندرعباس، رفسنجان دارای شعبه‌هایی بود و در شهر بمبئی و لندن نیز نمایندگی داشت.

تجارتخانه جمشیدیان: که در سال ۱۲۶۵ هـ. ش تأسیس شد و شعبه‌های آن در شهرهای یزد، کرمان و شیراز تأسیس گشت و نمایندگی‌هایی نیز در بغداد، بمبئی و کلکته و پاریس داشت.

کمپانی فارس: که در حدود سال ۱۲۷۵ هـ. ش (۱۸۹۶ م) تأسیس یافت. شرکت اتحادیه که در سال ۱۲۷۶ هـ. ش (۱۸۹۷ م) در تبریز و تهران دایر شد. علاوه بر تأسیسات تجارتی و بانکی فوق میتوان از چند شرکت تجارتی دیگر نیز در ایران نام برد. از قبیل:

۱- شرکت (کمپانی) امنیه در حدود سال ۱۲۶۲ هـ. ش (۱۳۰۰ هـ. ق) که بدستاری مشهدی کاظم‌امنیه تشکیل شد.

شرکت منصوریه: که در حدود سال ۱۲۷۱ هـ. ش (۱۳۱۰ هـ. ق) در یزد تأسیس شد.

شرکت عمومی ایران: که در سال ۱۲۷۸ هـ. ش (۱۳۱۶ هـ. ق) (۱۸۹۹ م) بدستاری و شرکت ۱۷ تن از بازرگانان معتبر با سرمایه یک میلیون تومان تأسیس گشت.

شرکت اسلامی: که در حدود سال ۱۲۷۸ هـ. ش (۱۳۱۶ هـ. ق) تأسیس گشت.

شرکت کشتیرانی ناصری: که در دوره ناصرالدینشاه از طرف چند تن از بازرگانان معتبر فارس دایر گردید.

در زمینه ترویج صنایع جدید نیز در زمان قاجاریان بامر عباس میرزا نایب‌السلطنه و بدنبال آن بدستور امیرکبیر در دوران سلطنت ناصرالدینشاه اقداماتی سودمند ولی غیر کافی انجام گرفت همچون: تأسیس چند کارخانه بسبک جدید و نیز برای تربیت متخصص عده‌ای هنرآموز و صنعتگر بکشورهای اروپایی گسیل شدند و بدین وسیله زمینه قبول و رسوخ صنعت جدید در ایران فراهم شد و همچنین بمنظور تشویق و بهره‌برداری از منابع زیرزمینی باتباع ایرانی آزادی استخراج معادن و معاف بودن از پرداخت مالیات بمدت محدود داده شد. نتیجه چنین اقداماتی آن شد که در اوایل قرن چهاردهم هـ. ق شماره کارخانه‌های ایرانی در تبریز، اصفهان و رشت و دیگر شهرهای مهم ایران فزونی یافت:

گنج شایگان از انواع کارخانه‌هایی که از ربع آخر قرن سیزدهم هـ. ق در ایران ایجاد گردیده است. بدین شرح یاد می‌کنند:

- ۱- کارخانه ریسمان رسی (۱۲۷۵ هـ. ق). ۱۲۳۸ هـ. ش.
- ۲- کارخانه تفنگسازی در تهران (۱۲۷۶ هـ. ق). ۱۲۳۹ هـ. ش
- ۳- کارخانه کاغذسازی در تهران.
- ۴- کارخانه شکرریزی در مازندران.
- ۵- کارخانه چلواریافی در نزدیکی تهران.
- ۶- کارخانه بلورسازی (۱۲۸۵ هـ. ق) ۱۲۴۸ هـ. ش در تهران، در سال ۱۲۶۷ هـ. ش برابر ۱۳۰۵ هـ. ق حاج محمدحسن امین دارالضرب کارخانه بلورسازی دیگری احداث کرد و در سال ۱۲۷۱ هـ. ش برابر ۱۳۰۹ هـ. ق کمپانی بلژیکی کارخانه بلورسازی دیگری بنیان نهاد ولی تعطیل شد.
- ۷- کارخانه چینی‌سازی حاج محمدحسن امین دارالضرب در تهران.

۱- پاولویچ تعداد کارگاههای بزرگ و کوچک را که در اوایل قرن بیستم در شهرستان تبریز دایر بود در حدود ۱۰۰ تخمین زده است و عده کارگران شاغل در کارگاههای مزبور را بالغ بر ده هزار تن نوشته‌است.

۸- کارخانه شمع‌ریزی در تهران.

۹- کاغذگری در اصفهان و تهران.

۱۰- کارخانه جبه‌خانه در تهران و اصفهان.

۱۱- کارخانه نساجی اقمشه کتانی در اصفهان.

۱۲- کارخانه ابریشم‌تابی در گیلان بدست حاج محمدحسن امین دارالضرب.

۱۳- کارخانه ابریشم‌تابی در نزدیکی رشت با سرمایه روسی، بدستیاری

محمدحسن رشتی ساخته شد.

۱۴- کارخانه باروت کوبی.

۱۵- کارخانه چاشنی سازی (۱۲۷۸ هـ. ق.) ۱۲۴۱ هـ. ش

۱۶- کارخانه گاز در سال ۱۲۹۷ با ۳۰ هزار لیتره مخارج در تهران تأسیس شد.

۱۷- کمپانی بلژیکی موسوم به کمپانی قندسازی در ایران که در سال ۱۳۱۳

بوجود آمد.

۱۸- کارخانه کبریت سازی در نزدیکی تهران در سال ۱۳۰۸ (هـ. ق.) ۱۲۶۹

هـ. ش

۱۹- کارخانه ریسمان رسی که در سال ۱۳۱۲ هجری قمری برابر ۱۲۷۴ هـ. ش

توسط مرتضی قلیخان صنایع‌الدوله ایجاد شد.

۲۰- کارخانه ریسمان رسی در تبریز.

۲۱- دو کارخانه پنبه کاری در نیشابور.

۲۲- کارخانه چراغ برق در تهران متعلق بحاج حسین آقا امین‌الضرب ۱۲۸۴ هـ.

ش (۱۳۲۳ هـ. ق.)

۲۳- کارخانه برق کوچک دیگر در تهران.

۲۴- کارخانه چراغ برق در مشهد، در سال ۱۲۸۱ هـ. ش (۱۳۲۰ هـ. ق.) از

روسیه بقیمت ۸ هزار تومان برای حرم حضرت رضا خریداری شد.

۲۵- کارخانه چراغ برق در رشت و تبریز.

۲۶- کارخانه آجرپزی در نزدیکی تهران متعلق بحاج حسین آقا امین‌الضرب.

۲۷- کارخانه چلوآر بافی در نزدیکی تهران.

۲۸- کارخانه آجرپزی در ارومیه.

۲۹- کارخانه صابونپزی نظافت در تهران^۱.

و اما عقد قراردادهای تجارتهای ایران با ممالک خارجی در زمان قاجاریان بدنبال

جنگهای ایران و روسیه (جنگ اول از ۱۲۱۸ تا ۱۲۲۸ هـ. ق (۱۸۰۴ - ۱۸۱۳ م) و

جنگ دوم از سال ۱۲۴۱ تا ۱۲۴۳ هـ. ق که به شکست ایران از دولت مزبور و تنظیم

عهدنامه گلستان^۲ و ترکمانچای منجر گردید) صورت گرفت بموجب فصل پنجم و

هفتم و هشتم و نهم و دهم عهدنامه گلستان و فصل اول و سوم عهدنامه ترکمانچای^۳ در

زمینه تجارت: آزادی تجارت در خاک دو طرف «ایران و روسیه» و برقراری سفرا و

نمایندگان تجارتهای، تساوی حقوق گمرکی بر مبنای صدی پنج مقرر گردید.

بدنبال عقد پیمان ترکمانچای دیگر کشورهای اروپایی و آمریکایی در نیمه دوم

قرن نوزدهم روابط سیاسی و تجارتهای خود را با کشور ایران بموجب اصل دول کامله‌الوداد

تنظیم کردند^۴ و همان امتیازات و حقوقی را که دولت روسیه بدست آورده بود از دولت

۱- نقل از کتاب گنج شایگان صفحه ۹۳ و ۹۴ و ۹۵.

۲- عهدنامه گلستان در ۲۹ شوال ۱۲۲۸ مطابق با ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ در گلستان از محال

قره‌باغ بین دولت ایران و روسیه بسته شد و بموجب این عهدنامه کشتی‌های تجارتهای روس اجازه یافتند

بآزادی در تمام سواحل و بنادر ایران آمد و رفت داشته باشند و دریای خزر تنها و بانحصار، بروی

ناوهای جنگی دولت روس باز باشد و بموجب این عهدنامه مقرر شد هرگاه هر یک از شاهزادگان

ایران که بولیعهدی انتخاب میشود اگر محتاج به کمک شد از طرف امپراتور روس بوی کمک شود

بدون داشتن حق مداخله در موقع بروز اختلاف بین شاهزادگان «نقل از تاریخ روابط سیاسی ایران با

دنیا ج ۱ صفحه ۳۴۴».

۳- عهدنامه ترکمانچای در پنجشنبه ۵ شعبان ۱۲۴۳ هـ. ق (مطابق با ۱۰ فوریه ۱۸۲۸

م) در قره ترکمانچای بامضای نمایندگان دولت روسیه و ایران رسید، بموجب این عهدنامه مساعدت

باتجار جزو شرایط صلح قرار داشت و یک قرارداد تجارتهای نیز که شامل کاپیتولاسیون بود در همان

موقع بامضاء رسید و پیوست به عهدنامه گردید. «نقل از تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا صفحه ۳۵».

۴- از جمله قراردادهای تجارتهای ایران با ممالک دیگر اینها است: قرارداد تجارتهای با اسپانیا

در سال ۱۲۶۴ هـ. ق، قرارداد تجارتهای بین ایران و فرانسه ۱۲۷۱ هـ. ق مطابق ۱۸۵۵ میلادی،

ایران و آمریکا ۱۸۵۶ میلادی، قرارداد تجارتهای ایران و سوئد و نروژ ۱۲۷۴ هـ. ق مطابق ۱۸۵۷

میلادی، قرارداد تجارتهای ایران و اتریش ۱۲۷۳ هجری قمری مطابق ۱۸۵۷ میلادی، قرارداد تجارتهای

ایران و دانمارک ۱۲۷۳ هـ. ق مطابق ۱۸۵۷ میلادی، قرارداد تجارتهای ایران و هلند ۱۲۷۳ هـ. ق

ایران تحصیل کردند ولی باید دانست با اینکه دولت ایران با دولتهای متعدد مناسبات تجارتي داشته است با اینهمه میتوان گفت که در واقع تجارت ایران مورد استثمار دو دولت روسیه و انگلیس قرار گرفته بود، و این امر بخصوص در ضمن موافقتنامهها و امتیازنامههایی که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی دو دولت مزبور بر رقابت یکدیگر در ایران بدست آوردند بیشتر تحقق یافت.

دولت روسیه تزاری بموجب امتیازنامه شرکت حمل و نقل در نواحی شمالی ایران به یک رشته کارهای ساختمانی در زمینه راههای شوسه و راه آهن دست زد و از این راه بمبادله مصنوعات کشور خود و فروش کالاهای زاید خود در ایران کمک مؤثری کرد و دامنه تجارت خود را در ایران روزبروز توسعه داد چنانکه از یک میلیارد ریال ارزش حمل و نقل ایران، ۶۲ درصد آن در دست روسها بوده است.^۱ از سوی دیگر راههای شوسه‌ای که توسط دولت مزبور در ایران ساخته شده بود برای مبادلات داخلی ایران نیز بهترین وسیله بشمار میرفت و شهرهای شمالی ایران و همچنین تهران و اصفهان را بمرکز مهم تجارتي تبدیل کرده بود و همه ساله مقادیر زیادی منسوجات نخی و قند و چای و نفت از این راهها ببازارهای ایران عرضه میشد. گذشته از این مواد فلاحتی از قبیل برنج و خشکبار و پنبه اقلام مهمی از صادرات ایران را بروسیه تشکیل میداد.

→ مطابق ۱۸۵۷ میلادی، ایران و بلژیک ۱۲۷۳ هـ . ق مطابق ۱۸۵۷ میلادی، قرارداد تجارتي بین ایران و انگلیس ۱۲۷۳ هـ . ق مطابق ۱۸۵۷ میلادی، قرارداد تجارتي بین ایران و ایتالیا ۱۸۶۲ میلادی، قرارداد تجارتي بین ایران و سوئیس ۱۲۹۰ هـ . ق مطابق ۱۸۷۳ میلادی، قرارداد تجارتي ایران و آلمان ۱۸۷۳ میلادی، بین دولت ایران و عثمانی بموجب عهدنامه ارز روم مورخ ۱۲۳۸ قرارداد تجارتي تنظیم و برقرار شد و بموجب آن مقرر گشت که دولت عثمانی از مالالتجاره ایران فقط یکبار حقوق گمرکی بر مآخذ صدی چهار دریافت کند و ضمناً این مالالتجاره از پرداخت هرگونه عوارض و تحمیلات دیگر معاف باشد. قرارداد تجارتي دیگری باریگر بین ایران و عثمانی در سال ۱۲۶۳ هـ . ق براساس عهدنامه فوق (ارز روم) تنظیم گردید.

«نقل از کتاب تاریخ اقتصادی ج ۲ فصل دوم از صفحه ۱۱۳ تا ۱۳۱».

۱- تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا صفحه ۳۸۲.

ترقی تجارت ایران و روسیه را از ارزش مبادله کالاهای بازرگانی که در سال ۱۸۸۶ میلادی بین ایران و روسیه از طریق خراسان صورت گرفته و مقایسه آن با ارزش مبادله سال ۱۸۸۹ بخوبی میتوان دریافت. میزان کالاهای بازرگانی که از ماه ژانویه تا اکتبر سال ۱۸۸۶ میلادی (پس از برقراری راه آهن ماوراء بحر خزر که در ماه دسامبر ۱۸۸۵ بعشق آباد رسیده است) از ایران بروسیه صادر شده معادل ۶۱،۰۰۰ لیره و آنچه از روسیه بایران وارد گردیده است معادل ۳۷،۰۰۰ لیره بوده است. در مقابل ارزش کالاهای بازرگانی صادر شده از ایران در سال ۱۸۸۹ در حدود ۱۱۱،۵۰۰ لیره و واردات روسیه معادل ۱۱۰،۴۰۰ لیره بوده است. با سنجش ارقام فوق میتوان دریافت که در طی چهار سال، میزان کالاهای بازرگانی ایران بروسیه دو برابر، و واردات از روسیه بایران سه برابر شده است.^۱

دولت انگلستان نیز با دست داشتن بر خطوط تلگرافی ایران و تأسیس بانک شاهنشاهی، نفوذ بازرگانی و سیاسی خود را در این کشور استوار کرده و شعبه‌های مختلف بانک شاهنشاهی فعالیت خود را بیشتر به تجارت معطوف ساخته و قسمت عمده‌ای از اعتبارات خود را باین امر اختصاص داده بود. در نتیجه بانک مزبور که مرکز معاملات پولی و بازار سرمایه ایران شده بود قدرت و تسلط کاملی بر عملیات بازار پیدا کرد و قسمت عمده تجارت خارجی ایران، بوسیله این مؤسسه صورت گرفت.

بدین کیفیت دو دولت روسیه و انگلستان بازار تجارت ایران را در نواحی شمال و جنوب ایران در دست گرفتند، چنانکه هفت هشتم تجارت خارجی ایران با دو دولت مزبور و فقط یک هشتم آن با دیگر دولتها صورت میگرفته است.^۲ دولت روسیه تزاری نفوذ اقتصادی خود را با قبضه کردن بازارهای ایران در مقابل انگلستان افزونتر ساخت، چنانکه بیش از نصف تجارت خارجی ایران با روسیه بود و تنها ربع آن با انگلستان صورت میگرفت.

بموجب آمار گمرکی ایران در سال ۱۲۷۴ هـ . ش (مطابق ۱۸۹۵ م) از میان تمام کالاهایی که بایران می‌آمده ۱۵ درصد از روسیه وارد میشده و ۷۰ درصد متعلق

۱- کتاب تاریخ ایران جلد اول. تألیف لرد کرزن

۲- گنج شایگان صفحه ۹.

تجارتی به دولتهای خارجی بخصوص دو دولت روسیه تزاری و انگلستان اعطا شد، بازار تجارت ایران را از دست تجار ایرانی که در مقابل بازرگانان خارجی در شرایط نامساعدی قرار داشتند خارج ساخت و موجبات انقلاب بورژوازی تاجر ایران را بر ضد سرمایه‌های خارجی و مبارزه مشروطیت فراهم ساخت.

توضیح آنکه پس از تنظیم عهدنامه ترکمانچای با اینکه مقررات تجارتی آن شامل حال تجار ایران و خارجی بود با اینهمه بازرگانان خارجی این امتیاز را دارا بودند که بموجب نظامنامه گمرکی بمیزان نصف گمرک مأخوذ از اتباع ایرانی حقوق گمرکی میپرداختند.

از سوی دیگر در اواخر سلطنت ناصرالدینشاه حقوق و عوارض جدید از آن جمله حقوق کود داری، دروازه داری و همچنین عوارض دیگری بنام قپاننداری و میداننداری و خانات و جز اینها وضع گردید و از کالاهای بازرگانی گرفته میشد که بار سنگین آن تنها بر دوش اتباع ایرانی بود، چه اتباع خارجی بحمايت دولت متبوع خود از پرداخت حقوق گمرکی داخلی و عوارض شهری معاف بودند.

در چنین شرایطی طبیعی است که تجار خارجی کالاهای صادراتی و وارداتی را در بازارهای دنیا و ایران بمیزان بسیار نازلتری از اتباع داخلی میفروختند و چون شرایط رقابت در بازار برای بازرگانان ایرانی و خارجی چه در داخله و چه در خارجه مساوی نبوده است ناگزیر امر تجارت برای ایرانیان دشوار شد و در نتیجه ایشان بتدریج بازار تجارت را از دست دادند و از سوی دیگر در برابر سیل واردات کالاهای خارجی خود بخود صنایع دستی ایران و مؤسسات صنعتی معدودی که در ایران بتازگی تأسیس شده و هنوز نضجی نگرفته بود نمیتوانست رقابت کند. چون دولت تحت تأثیر عقاید آزادی تجارت، حمایت از صنایع داخلی را ضروری نمیدانست بازار صنایع ایران لطمه فاحشی دید و در نتیجه چندین کارخانه ریسندگی و بافندگی و کبریت سازی و قندسازی و جز اینها که با سرمایه‌های خصوصی افراد تأسیس شده بود تعطیل گردید.

کشاورزی

بررسی تاریخ مالکیت اراضی مزروعی نشان میدهد که با وجود تحولات دامنه‌داری که در طول تاریخ در زمینه ملکداری و ورود طبقات جدید در سلک مالکان

بانگلستان بوده است. ولی پس از تنظیم عهدنامه‌های تجارتی که در خلال سالهای ۱۲۸۴ - ۱۲۸۰ هـ ۰ ش برابر با ۱۹۰۲ - ۱۹۰۵ میلادی بنفع دولت روسیه تزاری و به زیان ایران بین دو دولت منعقد گشت نفوذ اقتصادی دولت روسیه در ایران افزایش بیشتری یافت چنانکه تجارت روسیه در ایران در ظرف ده سال از سال ۱۲۷۹ - ۱۲۶۹ هـ ۰ ش برابر با ۱۸۹۰ تا ۱۹۰۰ میلادی دو برابر شده بود، پس از برقراری تعرفه جدید در تاریخ آذرماه ۱۲۸۲ هـ ۰ ش برابر ۱۳ دسامبر ۱۹۰۲ (از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۰ میلادی به سه برابر رسید)^۱ و نیز بموجب آمار گمرکی ایران در سال ۱۹۰۵ - ۱۹۰۶ میلادی میزان تجارت ایران و روسیه به ۱۷۰ میلیون فرانک و تجارت ایران و انگلیس تنها بحدود ۷۰ میلیون فرانک بالغ شده است، در آن زمان تجارت ایران با فرانسه برابر با ۱۶ میلیون فرانک و با دولت اتریش به ۶/۵ میلیون فرانک رسیده است.

بررسی آمار فوق تسلط اقتصادی دولت روسیه تزاری را مقارن انقلاب مشروطیت و کاهش تجارت انگلیس را نسبت به آن دولت در ایران نشان میدهد، چه نسبت صادرات انگلیس بایران در سال ۱۲۸۴ هـ ۰ ش برابر ۱۹۰۵ به ۲۷/۵ درصد تقلیل یافته و حال آنکه بر نسبت صادرات روسیه بایران ۳۹/۵ درصد افزوده گردیده بود.

علت ترقی و نفوذ اقتصادی دولت روسیه را در ایران همچنانکه بیان داشتیم باید در اخذ امتیازات جدید از دولت ایران و تغییر تعرفه گمرکی متحدالشکل معاهده ترکمانچای بدست مسیونوز بلژیکی و عوامل دیگری دانست که از آن جمله اینها است:

- ۱- هر جنسی که ایران عرضه میداشت روسها بصورت متقابل خریدار آن بودند.
- ۲- دولت روسیه تخفیف کلی برای حمل صادرات ایران منظور کرده بود.
- ۳- بانک استقراضی اعتبارات سرشاری برای بازرگانان وارد کننده تأمین کرده

بود.

۴- اختصاص راههای تجارتی اروپا بدولت روسیه و منع ترانزیت کالا از خاک روسیه بی تأثیر در ترقی تجارت دولت مزبور نبوده است.^۲

نفوذ سرمایه‌های خارجی در ایران و امتیازات و تسهیلاتی که بموجب قراردادهای

۱- تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا صفحه ۳۸۲.

۲- تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا ج اول صفحه ۳۸۲.

صورت گرفته است با اینهمه از نظر اصولی همان سیستم فئودالی و تمرکز املاک در دست اقلیتی محدود برقرار مانده است. بطور کلی ارتباط ایران با کشورهای بیگانه و آشناسدن با تکنیک جدید نتوانسته است تحولی عمیق در سیستم مالکیت و همچنین ماهیت روابط مالک و زارع و روش بهره‌برداری و مکانیزه شدن کشاورزی بوجود آورد.

اراضی زراعتی در ایران را در عمل سه دسته میتوان تقسیم کرد:

۱- خالصه‌ها: خالصه‌ها املاک دیوانی است که اراضی وسیعی را در مملکت تشکیل میداده، این زمینها از طریق ضبط املاک عناصر متنفذ و گاهی هم مجرمان از طرف پادشاه در اختیار و تملک دولت درمی آمده است.

۲- املاک موقوفه: املاکی که مؤسسه‌های مذهبی آنها را در تصرف داشتند و عواید آنها اختصاص به مساجد و مدارس و دیگر امور خیریه بود و از پرداخت هرگونه عوارض مالیاتی معاف بودند.

۳- اراضی اربابی: املاکی که در مالکیت خصوصی افراد از قبیل حکام و خانها بود. ظهور سلسله‌های جدید و اختیاراتی که شاهان مستبد بر قسمت عظیمی از اراضی زراعتی و نسبت به تعیین بهره‌مالکانه داشتند و میتوانستند اراضی را باشخاص مختلف برای اداره کردن و استفاده از بهره‌مالکانه واگذار کنند، و نیز عوامل مختلف دیگر از آن جمله پیشرفت ترقی تجارت در نیمه دوم قرن سیزدهم (نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی) و سوق سرمایه‌ها بسوی زمین‌داری سبب شد که تحولی در بین طبقه مالکان بوجود آید و بمقتضای وضع اجتماعی گروههای تازه‌ای در میان این طبقه وارد شوند. ناگفته نماند که این تغییر و ناپایداری در میان طبقه مالکان تغییری اساسی در ماهیت طبقه زمین‌دار نبوده است و همچنانکه میس‌لمتن گفته است:

پس از ظهور اسلام و از بین رفتن اشراف فئودال و طبقه دهقان (مالکان و اشراف درجه دوم) که مسئول اداره امور محلی و جمع مالیاتها بودند موقع خود را در مالکیت حفظ کردند، علاوه بر این طبقه، مالکان جدیدی روی کار آمدند که املاک خود را بصورتهای مختلف از طریق عطیه امام یا از راه فتح و غلبه در جنگها و یا بر اثر خرید و فروش بدست آورده بودند، این طبقه بعدها نمایندگان دولت را در نواحی سکونت خود

بر عهده گرفتند، در زمان حکومت ترکها، طبقه جدید دیگری بنام مقطع «تیولدار» روی کار آمدند، این طبقه ابتدا رابط بین دولت و رعیت و مأمور جمع‌آوری مالیات اراضی بودند و بعدها حق استفاده از املاک نیز بخود آنها واگذار شد و در مقابل متعهد بودند که در مواقع ضروری بتمهیه سپاه و لشکر پردازند و مستمری سپاهیان و همچنین اشخاص دیگری را که از محل عواید مالیات دولتی حقوق دریافت میکردند پرداخت کنند. این املاک که بنام اقطاع «تیول» نامیده میشد کم کم بصورت ملک شخصی و موروثی درآمد. در نواحی غیر ایلی مالکان قدیم بتدریج با قبول مأموریت دولت در محل، در طبقه مقطع «تیولدار» مستحیل شدند، ولی در نواحی ایلی بعضی از نقاط دور دست ایران، بخصوص در نواحی بحر خزر، حکام محلی هم توانستند نفوذ و قدرت محلی خود را حفظ کنند و هم تسلط کامل بر املاکشان را از دست ندهند. در عصر قاجاریان طبقه مالک که شامل خان‌های ایلات نیز میگردد، متنفذترین و مقتدرترین طبقات کشور را تشکیل میدادند. زمینداری برای مالک زمین مناسبی جهت حیثیت اجتماعی و سرمایه‌گذاری بشمار میرفت. این امر سبب شد که اکثر طبقات سرمایه خود را برای خرید اراضی مزروعی بکار بیندازند و بر عده زمینداران افزوده شود. علاوه بر خانها و حکام محلی که مایل بودند بر قلمرو مالکیت و نفوذ خود بیفزایند، مأموران دولت و همچنین تجار و صاحبان سرمایه‌های آزاد که نمیتوانستند منافع بدست آمده از تجارت را بسبب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران صرف کارهای تولیدی و مؤسسه‌های صنعتی کنند، اقدام بخرید زمینهای مزروعی از دربار کردند. بدین کیفیت طبقه جدیدی از ملاکان که در رأس آنها بورژوازی تجار و مستخدمان دولتی قرار داشتند جانشین اشراف فئودال گشتند و در تصاحب و تمرکز املاک مزروعی با خانها همگام شدند. با پیدایش مالکان جدید که بیشتر با بازارهای خارجی ارتباط داشتند و صاحب سرمایه‌های کلان بودند بتدریج املاک از دست خرده مالکان و کشاورزان خارج شد و بی‌ترتیب بودن اصول مالیاتی نیز کمک کرد تا مالکیت زمین‌های مزروعی در دست طبقات خاصی تمرکز یابد و بر تعداد عمده مالکان یا مالکان بزرگ افزوده گردد.

در سیستم بهره‌برداری مالکان جدید، همان شیوه فئودالیت را تعقیب می‌کردند بدین معنی که با تحمیل مالیاتهای جدید جنسی و نقدی بر دهقانان و افزودن مقدار آن موجبات استثمار بیشتر روستاییها را فراهم ساختند.

* * *

با روی کار آمدن سلسله صفویان و پیدایش قدرت مذهبی شیعه (قرن دهم ه ق مطابق قرن شانزدهم م) که منشأ تحولاتی عمیق در شئون اجتماعی و اقتصادی مملکت گردید مسأله زمین‌داری نیز تا حدی صورت جدیدی بخود گرفت. مالکیت مطلق شاه بر اراضی اگرچه جنبه عملی آن بمقتضای اوضاع و احوال تعدیل یافت با اینهمه تا اندازه‌ای برای شاهان صفوی بقوت خود باقی بود. پادشاهان این سلسله به منظور ایجاد قدرت نظامی و گردآوری سپاه کافی احتیاج مبرمی بدر آمد نقدی برای پرداخت مزد لشکریان داشتند، برای این کار هیچ منبعی جز عواید خالصه وجود نداشت. از اینرو مقدار وسیعی از زمینها که در اختیار حکومت بود به این کار اختصاص داده شد. نخست برای سرکردگان سپاه برات نوشتند و بموجب آن مواجب سپاهیان را از محل عواید مالیاتی یعنی مالیات اراضی پرداختتند. بعدها زمینهای املاک خالصه را که براتها بر عهده آنها بود به تیول دادند و مقرر شد که در مورد این تیولها مانند «اقطاع» پیشین لشکری اصل وراثت برسمیت شناخته شود و تیول بفرزندان ذکور در صورت ادامه بخدمت لشکری بارث منتقل شود. شاهان صفوی علاوه بر این تیولهای لشکری، بعضی از املاک خالصه را نیز بطور موقت و در مواردی بطور دائم بمأموران حکومت و دیگران به تیول میدادند، فرمانروایان صفویان پیش از رسیدن بسطنت از روحانیان بزرگ و متنفذ بشمار می‌آمدند و املاک متعددی را بعنوان متولی در اختیار داشتند، چون بسطنت رسیدند بسیاری از املاک را بر اماکن مقدس از جمله آستانه حضرت رضا (ع) در مشهد و خواهرش حضرت معصومه (ع) در قم وقف کردند.

علاوه بر خاندان سلطنتی عده‌ای از مالکان بزرگ نیز املاک خودشان را با حفظ حق تولیت برای خود و خانواده‌شان وقف میکردند، تعداد بسیاری از املاک موقوفه در دوره صفویان بعنوان پاداش بخانواده‌های سرشناس مذهبی بصورت تیولهای موروثی واگذار شد، تیولها در پاره‌ای از موارد در این عصر از پرداخت مالیات بدولت معاف بودند و مالیاتهای گرفته شده متعلق بتیولدار بود و در مقابل بدولت اجاره بها میپرداخت، در پاره‌ای از موارد نیز تیولدار مالیات اراضی را بدولت میپرداخت. پس از صفویان بدنبال تصمیمی که نادرشاه افشار مبنی بر تضعیف روحانیان گرفت و برای کوتاه کردن دست آنها از اموال موقوفه اقدام کرد بسیاری از املاک موقوفه از دست متولیان خارج شد و نام

آنها در زمره املاک خالصه در رقبات نادری ثبت گردید.

در مقابل تصمیم فوق، پاره‌ای از متولیان از تسلیم املاک وقفی سر پیچیدند، عده‌ای از وقف کنندگان هم از تنظیم وقفنامه خودداری و در صورت تنظیم از ارائه آن امتناع می‌کردند.

این امر سبب شد که عده‌ای از وضع موجود استفاده برند و با کمک مأموران دولتی برای بسیاری از این نوع موقوفات بنام خود قباله درست کنند و در نتیجه مقدار بسیاری از املاک موقوفه در زمان جانشینان نادرشاه باملاک شخصی و گاهی به املاک خالصه تبدیل شد.

سلسله قاجاریان که وارث دوران هرج و مرج ناشی از جنگهای متوالی زمان افشاریان و جانشینان آنان بود پس از روی کار آمدن، بخلاف شیوه پادشاهان صفوی موجبات تمرکز نیافتن قدرت حکومت را فراهم کرد و با سپردن حکومت ولایات بافرااد خانواده سلطنتی رسم حکومت سلجوقیان را دوباره برقرار ساخت. همچنین با تفویض حق رسیدگی بدعاوی بملاکان و تیولداران، موجبات قدرت حکام ایالات و تسلط بیش از حد مالکان را نسبت به کشاورزان فراهم کرد. در مورد زمینداری بیشتر پادشاهان قاجار پس از آغامحمدخان سعی خود را بر این مصروف میداشتند که قسمتهای وسیعی از املاک کشور را جزو تیولها قلمداد کنند و از نظارت مستقیم خود بر خالصه‌ها بکاهدند، بدنبال این سیاست عده املاک خالصه‌ای که در این عصر تبدیل به تیول شد و بجای حقوق سالیانه باشخاص واگذار گردید بی‌اندازه افزایش یافت، تیولداران بیشتر میکوشیدند که تیولها را باملاک شخصی و قابل نقل و انتقال مبدل سازند، پس از آنکه بطور عملی این منظور برآورده شد تیولداران و مأموران سابق دولت در ردیف طبقه جدیدی از مالکان قرار گرفتند که مالیات دولت را تحت عنوان اجاره بها بحکومت مرکزی میپرداختند. چنانکه فریزر نوشته است «تیولداران در عمل هیچگونه مالیاتی بدولت نمیپرداختند و می‌کوشیدند املاک تیولی را در برابر عمال دولت خصوصی یا اربابی جلوه دهند و برعکس در برابر رعایا خود را وابسته بدولت قلمداد کنند و همان مالیاتی را که در سابق بنام دولت میگرفتند برای خود وصول کنند.»

نرخ مالیات املاک مزروعی در این عهد افزایش یافت و تحصیل آن از آنجهت که تحمیلی سخت بر طبقه زارع بود موجبات تعدی و ظلم مأموران مالیاتی را

نسبت بخرده مالکان و کشاورزان فراهم کرد، چه مأموران مزبور علاوه بر مالیاتهای عادی برای مخارج خود و ابوابجمعی که در نواحی تحت اختیار آنان بود و همچنین برای تأمین مخارج مختلف نظامی و غیرنظامی، مالیاتها و باجهای سنگینی تحت عناوین مختلف، چون تفاوت عمل و سیورسات از مالکان جزء و کشاورزان مطالبه میکردند، برزگران چون بیشتر از عهده پرداخت بار سنگین مالیاتها بر نمی آمدند زمینهای آنها بتملك عمده مالکان و خانها درمی آمد. ناصرالدینشاه در اواخر سلطنت خود تصمیم گرفت بموجب فرمانهایی املاک خالصه را که رو بویرانی نهاده بودند در مقابل پرداخت مالیاتی سنگین باشخاص واگذار کند، این مالیات نخست جنسی گرفته میشد و سپس بیاخذ معینی مبدل بنقد گردید «تسعیر».

صاحبان املاک خالصه انتقالی میتوانستند املاک مزبور را بفرزندان خود انتقال دهند. بدنبال این اقدام چون دولت در این عهد بعلت اسراف و ولخرجی شاه و درباریان و مخارج هنگفت دستگاههای اداری مملکت دچار مضیقه مالی شده بود، ناصرالدینشاه فرمانی مبنی بر فروش همه املاک خالصه بجز خالصه‌های حومه تهران صادر کرد.

در زمان مظفردینشاه احتیاج مبرم دربار بپول بقوت خود باقی بود و شاه فرمان فروش همه خالصه‌ها را صادر کرد، در ضمن فرمانی نوشت که صورتی از املاک خالصه را تهیه کنند تا مقدار و قیمت هر یک از آنها معین شود. این امر برای مأموران دولت فرصت مناسبی بود که مقداری از املاک خالصه را جزو املاک شخصی بحساب آورند.

بطور کلی در اواخر دوره قاجاریان سیاست زمینداری برای روستاییان کیفیت طاقت فرسایی بوجود آورده بود، وضع مالیاتهای سنگین و رعایت نکردن قوانین شرعی در مورد مالکیت که حدود روابط مالک و کشاورز را مشخص کرده بود و کشاورزان در لوای آن مورد حمایت قرار میگرفتند، سبب شد که برزگران در مقابل استفاده از زمین تحت شرایط طاقت فرسایی انواع بیعدالتیها و تعدی و ستم از ارباب و مالک ده متحمل شوند، استثمار ملاکان و مباشران آنها و وخامت اوضاع اقتصادی حق هرگونه مالکیت را نسبت بزمین از برزگران سلب کرد و موجبات کینه و نفرت کشاورزان را نسبت به مالکان و استثمارگران خود فراهم ساخت و آنها را بفرار از ده و پناهنده شدن در شهرها برانگیخت. در بعضی از نواحی ایران دسته‌های بزرگی از روستاییان برای تهیه کار و فرار

از وضع وخیم خود بروسیه مهاجرت کردند.^۱ عوامل فوق در ایران زمینه انقلاب را برای کشاورزان از هر جهت فراهم ساخت، ولی ما در فصول آینده روشن خواهیم کرد که چگونه این طبقه محروم از حقوق انسانی که فقط با یک انقلاب اجتماعی میتوانستند وضع خود را اصلاح کنند بعللی نتوانستند در جنبش مشروطیت ایران سهمی داشته باشند.

مالیات

یکی از عواملی که در اسیر ساختن اقتصاد ایران در دست کشورهای خارجی و در نتیجه تهیه مقدمه اعطای امتیازاتی زیانبار بحال کشور مؤثر گردید مسأله تقلیل درآمد دولت و نابسامان بودن وضع مالی کشور بود. درآمد دولت را مالیاتهای مستقیم، عواید گمرکات، خالصه‌ها، و حق امتیاز اجاره بهای بنگاههای دولتی تشکیل میداد. با تأسیس پست و تلگراف «سالهای ۱۲۶۷ و ۱۲۷۴ ه. ق.» در زمان سلطنت ناصرالدینشاه راه دیگری برای تأمین منابع درآمد دولت بوجود آمد.

اساس مالیات ایران مبتنی بر مالیاتهای مستقیم بود، مالیات مزبور از زمینهای مزروعی، اغنام و احشام و مستغلات، قنات چاههای آب و آسیاها اخذ میشد، در پاره‌ای از نقاط بخصوص در روستاها مالیاتی بنام مالیات سرانه بر اشخاص تعلق میگرفت و در برخی از نواحی نیز بجای مالیات سرانه نوعی مالیات بنام «مالیات در» میگرفتند که بهر خانواری تعلق میگرفت. مالیات اراضی بصورت نقدی و جنسی تأدیه میشد، میزان حق دولت تا پیش از سلطنت فتحعلیشاه ده درصد کل عایدات بوده است ولی از زمان فتحعلیشاه پایه مالیات در ایران بمیزان ۲۰ درصد عایدات اراضی افزایش یافت، و این رقم نیز نرخ ثابتی نبوده و در پاره‌ای از موارد و در بعضی از نقاط در عمل به ۳۰ تا ۳۵ درصد نیز میرسید.

ناگفته نماند که حکام شهرستان مأمور وصول مالیات بودند و اختیار داشتند از

۱- ایوانف تعداد مهاجران ایران اعم از کشاورزان و پیشه‌وران را که برای تهیه کسب و کار بماوراء قفقاز و ماوراء خزر در اوایل قرن بیستم میلادی مهاجرت کردند تا دوست هزار تن تخمین زده است.

«تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. صفحه ۱۵»

محل مالیات‌هایی که وصول می‌کنند مخارج ادارات هر محل را بپردازند و سالیانه مبلغ معینی بمرکز بفرستند. بنابراین حکام در عمل مجاز بودند بیش از اندازه مقرر مالیات وصول کنند و تفاوت عمل را بنفع خود ضبط نمایند. برحسب معمول مالیات‌های سنگین و غیر عادلانه از طرف حکام متوجه قشر وسیعی از توده ملت که خرده مالکان و روستاییان باشند تحمیل می‌گردید تیولها و موقوفات که بصورت عمده مالکی اداره میشد از پرداخت مالیات معاف بودند، ایلها نیز مالیات اراضی نمی‌پرداختند و در مقابل خدمات نظامی را بر عهده داشتند، و مالیاتی که از آنها دریافت میشد آن بود که بر اغنام و احشام آنها تعلق می‌گرفت.

از پیشه‌وران و بازرگانان نیز نوعی مالیات مستقیم که در حدود ۲۰ درصد عایدات آنها را تشکیل میداد وصول می‌گشت در نقاطی که مالیات سرانه دریافت میشد، از هر مرد بطور معمول چهار قران و از زنان و کودکان ۲/۲۵ قران می‌گرفته‌اند و مالیاتی هم که بر اغنام و احشام بسته میشد از قرار هر گوسفند و بز نزدیک بیک قران و از هر خر و گاو یک تومان بوده است^۱ علاوه بر مالیات‌های فوق که وسیله تحصيل درآمد برای دولت بود، امتیاز و اجاره بهای پستخانه و ضرابخانه و تلگرافخانه و عواید گمرکات نیز از طرف شاه باشخاص مختلف واگذار میشد، میزان درآمدی را که از این راه در سال ۱۸۸۸ میلادی عاید دولت گردیده لرد کرزن به حدود صد و ده هزار تومان تخمین زده است.^۲

بر این نوع مالیات‌ها باید مالیات سربازگیری را افزود که عبارت بود از دریافت وجوهی بعنوان مالیات و سرباز از هر روستا یا دهکده یا شهرستان‌ها بوسیله مأموران مالیاتی. بر منابع درآمد دولتها مالیات‌های اتفاقی تحت عنوان مصادره و سیورسات و پیشکشهای سالانه و فوق‌العاده را نیز میتوان افزود.

درآمد دولت ایران در قرن سیزدهم هـ ق بخصوص در ربع آخر آن در اوایل قرن چهاردهم هـ ق بعلت عوامل مختلفی از جمله بی‌ترتیبی در اخذ مالیات و تنزل قیمت نقره و ارزش پول ایران بتدریج کاهش می‌یابد و از مبلغی معادل ۷۵ میلیون فرانک در سال

۱- امیرکبیر و ایران صفحه ۱۱۸.

۲- ایران تألیف لرد کرزن صفحه ۹۵.

۱۸۱۵ میلادی به مبلغی معادل ۴۰ میلیون فرانک در سال ۱۸۸۹ میلادی تنزل می‌کند. در زمان سلطنت مظفرالدین‌شاه ۱۸۹۵ میلادی درآمد خزانه دولتی بین ۳۲ و ۳۶ میلیون فرانک تخمین زده شده است.^۱ ولی باید دانست که با همه اینها بودجه دولت ایران تا پیش از لغو امتیازنامه رژی تا حدی متعادل بود و دولت هیچگونه وامی خواه خارجی و خواه داخلی بر عهده نداشت بخصوص در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه با اقداماتی که در زمینه اصلاحات مالی بدستور امیرکبیر صورت گرفت تا حدی مخارج دولتی که پیش از آن همواره افزونتر از عایدات بود تعدیل یافت و بتدریج یک میلیون تومان «معادل - ۵۰۰،۰۰۰ لیره انگلیسی» اضافه خرج بر دخل مملکت حاصل گردید.^۲

ولی در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه پس از آنکه امتیازنامه رژی بر اثر مخالفت روحانیان و توده ملت در دیماه ۱۲۷۰ شمسی (مطابق ژانویه ۱۸۹۲ م) ملغی گردید، و دولت مجبور شد برای پرداخت خسارت شرکت تالبوت وامی بمبلغ پانصد هزار لیره انگلیسی بمدت چهار سال از بانک شاهنشاهی بگیرد، اردیبهشت ماه ۱۲۷۱ ش (مطابق آوریل ۱۸۹۲ م) و در مقابل عواید گمرکات جنوب را بعنوان وثیقه بدولت انگلستان واگذار کند این وضع دگرگون شد. از دست دادن عواید گمرکات که از مهمترین منابع درآمد دولت بود موجب اختلال وضع مالی دولت گردید و این نخستین وام خارجی بود که توسط ناصرالدین‌شاه «در ۲۸ رمضان ۱۳۰۹ هـ ق بر بودجه دولت تحمیل شد و مقدمه تحصيل وامهای پیاپی دیگری در زمان سلطنت مظفرالدین‌شاه برای جبران کسر مخارج دربار و تأمین هزینه و مسافرتهاى متعدد شاه بخارج از کشور گردید.

از آنجمله وامی بمبلغ ۲۲،۵۰۰،۰۰۰ منات طلا بود که بمدت ۷۵ سال توسط بانک استقراضی از دولت روسیه تزاری در برابر واگذار کردن عایدات گمرکات ایران باستثنای گمرکات بندرهای جنوب و فارس گرفته شد.^۳ بموجب پیمان وام مقرر

۱- انقلاب مشروطیت ایران پاولویچ صفحه ۹.

۲- کتاب امیرکبیر و ایران صفحه ۱۰۹.

۳- قرارداد این قرضه تحت ۱۶ فصل در ژانویه ۱۹۰۰ با تنزیل صدی پنج بین دولت ایران

و بانک استقراض روس در ایران منعقد گردید رجوع به صفحه ۴۱۹ از کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا شود.

گشت که تا هنگامی که قرض مزبور از طرف دولت ایران پرداخت نشود دولت مزبور حق استقراض خارجی بدون رضامندی دولت روسیه نداشته باشد. در حدود سال ۱۳۲۰ هـ ق (۱۹۰۲ م) مظفردینشاه بار دیگر برای تأمین مخارج سفر دوم خویش بفرنگ مبلغ ده ملیون منات طلا بمدت ۷۵ سال با همان شرایط وام نخست از دولت روسیه تزاری وام گرفت. وی از دولت انگلستان نیز مقارن وام نخستین که از دولت روسیه گرفته بود (۱۳۱۸) وامی بمبلغ ۳۱۴،۲۸۱ لیره و ۱۶ شلینگ و ۴ پنس طلا بمدت ۱۵ سال با تنزیل ۵٪ توسط بانک شاهنشاهی و بنام حکومت هند دریافت کرد. بدینسان دولت ایران یکی از منابع درآمد و عایدات خود را که حقوق گمرکی باشد در اختیار دولت‌های خارجی گذاشت و مضیقۀ مالی روزبروز شدت یافت، چنانکه تخمین زده‌اند دولت ایران تنها بابت غرامت وام‌های خارجی هر ساله از کلیه عایدات گمرکی خود بطور تقریب مبلغی معادل ۲،۵۰۰،۰۰۰ تومان بدولت روس و انگلستان میپرداخته است^۱ تاریخ استعمار گمرک ایران را پس از شکست ایران از دولت روسیه و تنظیم عهدنامه گلستان باید دانست، چه پیش از آن تاریخ بخصوص در زمان خاندان صفویان که در توسعه تجارت و ترقی اقتصاد مملکت کوشش فراوان مبذول میشد ایران دارای تشکیلات منظم گمرکی و راهداری بود، و نخستین معاهده‌ای را هم که این سلسله با دولت عثمانی منعقد ساخت استقلال گمرکی ایران را حفظ میکرد و کلیه اجناس خارجی را که بایران وارد میشد تابع قوانین گمرکی قرار میداد و هر چند ترتیب اخذ عوارض گمرک در نواحی مختلف بطور متفاوت انجام میگرفت با اینهمه اداره تشکیلات مزبور بدست مأموران و عمال دولتی که از طرف شاه معین میشدند صورت میپذیرفت، ولی پس از مدتی دولت ایران بسبب تنزلی که در عایدات گمرک رخ داد و همچنین بتقلید از دولتهای اروپایی در سال ۱۰۸۵ هـ ق (مطابق ۱۶۷۴ م) عواید گمرکی را باشخاص اجاره داد و در نتیجه تسهیلاتی که برای تجارت در سابق منظور میشد از بین رفت. رسم اجاره گمرک تا زمان سلطنت مظفردینشاه ادامه داشت. در این هنگام نظر بمضیقۀ مالی دولت و تهی بودن خزانه شاه، عایدات گمرکی یعنی تنها منبعی که امکان داشت کسر درآمد دولت و احتیاجات روزافزون شاه را برای مخارج مسافرتهاى خود بخارج تأمین

کند مورد استفاده قرار گرفت. در سال ۱۳۱۵ هـ ق میرزا علیخان امین‌الدوله صدراعظم وقت برای اصلاح گمرک و ضرابخانه سه تن مستشار بلژیکی «نوز، پریم، انگلس» را استخدام کرد، مأموران جدید بالغو اجاره گمرکات کلیه حقوق گمرک صادرات و واردات را بحساب دولت وارد کردند. نقشۀ اصلاح گمرک بوسیله مسیو نوز بلژیکی با گرفتن وام‌های متعددی که دولت ایران از دو دولت روسیه و انگلستان کرد عقیم ماند، چه در برابر وام مزبور دولت مجبور به عقد قراردادهای گمرکی و واگذار کردن عایدات گمرک کشور بدو دولت مزبور گردید و در همین جا زمینه برای اجرای استعمار اقتصادی ایران آماده شد.

مقدمات تسلط و بهره‌برداری از گمرکات ایران توسط دولتهای خارجی همچنانکه در بالا اشاره شد با عقد معاهده‌های گلستان و ترکمانچای آغاز گشت. بموجب فصل نهم عهدنامه گلستان مورخ ۲۸ شوال ۱۲۱۸ هـ ق (مطابق اکتبر ۱۸۱۳ م) و فصل سوم عهدنامه ترکمانچای انعقاد یافته در ۵ شعبان ۱۲۴۳ هـ ق (۲۳ فوریه ۱۸۲۸ م) مقرر شده بود که از کالاهای بازرگانی اتباع روسیه خواه از صادرات و خواه از واردات بیش از ۵ درصد حق گمرکی گرفته نشود. بدنبال بستن این معاهدات دولت ایران کلیه عهدنامه‌های تجارتهای خود را با دولتهای دیگر بموجب اصل حقوق دول کامله‌الوداد که مشمول همین مقررات گمرکی خاص میبود تنظیم کرد و در نتیجه تعیین حقوق گمرکی صادرات و واردات در عمل از اختیار دولت ایران خارج شد. پس از آنکه نوز بلژیکی سرپرستی گمرکات ایران را بر عهده گرفت در تاریخ ۱۸ ذیحجه ۱۳۱۸ هـ ق بدنبال الغای اجاره گمرکات مورخ ۱۳۱۷ هـ ق پرداخت عوارض داخلی که بموجب فصل هفتم بند چهارم و پنجم نظامنامه گمرک در زمان سلطنت ناصرالدینشاه برای اتباع ایرانی صدی بیست و برای اتباع خارجی صدی ده مقرر گردیده بود ملغی گشت. دولت ایران همچنانکه در گذشته یاد شد، در برابر دریافت وام‌های متعدد از دولتهای خارجی که نقشۀ تسخیر بازارهای ایران و تسلط بر اقتصاد مملکت را برقابیت با یکدیگر طرح کرده

۱- برای دولت ایران میزان عایدات گمرک از بابت وجه اجاره سالیانه پیش از لغو این رسم در حدود ۱۲،۵۰۰،۰۰۰ قران تا ۱۳،۵۰۰،۰۰۰ قران تخمین زده شده است. (سال ۷ - ۱۳۱۶ هـ ق).

بودند قرارداد گمرکی نوینی در تاریخ ۲۰ رمضان ۱۳۲۰ هـ ق (مطابق با ۱۳ دسامبر ۱۹۰۲ م) با دولت روسیه منعقد ساخت. مواد قرارداد تعرفه جدید موجب تقلیل عوارض کالاهای روسی و در نتیجه بنفع دولت روسیه تمام شد و سبب کسر درآمد گمرکات ایران گردید.

بدنبال عقد عهدنامه گمرکی تازه بین ایران و روسیه، دولت امپراتوری انگلستان که بر سر مسئله نفوذ اقتصادی و سیاسی در ایران با دولت روسیه تزاری رقابت میکرد برای تصاحب منافع و عواید گمرکات جنوب در ذیقعه ۱۳۲۰ هـ ق (مطابق با نهم فوریه ۱۹۰۳ م) قرارداد تازه گمرکی مشتمل بر یک مقدمه و هفت فصل براساس عهدنامه دسامبر ۱۹۰۲ میلادی با دولت ایران منعقد کرد. بموجب قراردادهای فوق دولت ایران کلیه حقوق خود را در مورد گمرکات ایران و همچنین حق تنظیم و تغییر تعرفه‌های آن بدولتهای خارجی واگذار کرد و بدین سان با تنظیم سند استعمار و استثمار اقتصادیات کشور، موجبات برانگیختن ملت بر ضد دولتهای اجنبی فراهم شد.

امتیازات

دوران آخر سلطنت ناصرالدینشاه را باید آغاز دوره نوین اسارت کشور توسط سرمایه‌های خارجی از طریق اعطای امتیازات در زمینه‌های مختلف دانست. دولت انگلستان بمنظور حفظ ارتباط خود با هندوستان و تحکیم نفوذ سیاسی خود در ایران بتحصیل یک رشته امتیازات از جمله امتیاز خطوط تلگرافی توسط کمپانی انگلیس و هند مبادرت کرد. نخستین امتیاز مربوط بخطوط تلگراف بین خانقین و تهران و بوشهر، بین تهران و سرحد بلوچستان «رمضان ۱۲۸۰ هـ ق» برای مخابرات داخل و خارج بود و در سوم رجب ۱۲۸۲ هـ ق (مطابق ۳ نوامبر ۱۸۶۵ م) قرارداد تازه‌ای که ارتباط ایران را با خارج برقرار سازد، بین دولت ایران و انگلیس بسته شد. امتیاز دیگر راجع بخطوط تلگرافی بین دولت ایران و انگلیس امتیازنامه مورخ ۳۰ ربیع‌الثانی ۱۳۱۹ هـ ق (مطابق ۱۶ اوت ۱۹۰۱ م) بود، مدت امتیازنامه مزبور تا ۵ جمادى‌الثانی ۱۳۴۳ هـ ق (دهم ژانویه ۱۹۲۵ میلادی) تعیین شده بود و در آن مقرر گشت که هرگاه دولت ایران قرض خود را تا مدت موعود بابت کشیدن این خط بدولت انگلیس نپردازد این امتیازنامه بقوت

خود باقی باشد.^۱

در جمادى‌الاولی سال ۱۲۸۹ هـ ق (مطابق ۲۵ ژوئیه ۱۸۷۲ م) امتیازنامه‌ای بین دولت انگلستان و ایران بمدت هفتاد سال تنظیم شد و بموجب آن مقرر گردید که دولت ایران حق انحصاری ساختمان راه آهن و بهره‌برداری از منابع زیرزمینی و امتیازات دیگری در زمینه آبیاری به بارون رویتر تبعه انگلیس واگذار کند، و نیز بموجب این امتیاز دولت ایران اداره گمرکات کشور را بمدت ۲۰ سال در برابر هزار لیره استرلینگ در اختیار رویتر گذاشت و تعهدات دیگری را نیز در ضمن مواد امتیازنامه فوق برای آینده پذیرفت که بموجب آنها کلیه ثروتهای طبیعی کشور برای مدت هفتاد سال در اختیار دولت انگلستان قرار میگرفت، این امتیازنامه با مخالفت ملت و دولت رقیب «روسیه تزاری» مواجه و لغو گردید.

مدت ۱۶ سال بین دولت ایران و بارون ژولیوس تبعه انگلیس بر سر خسارتهایی که از این امتیازنامه ناشی شده بود گفتگو بود تا سرانجام از طرف ناصرالدینشاه برای جبران خسارت ادعا شده امتیاز بانک شاهنشاهی در تاریخ ۲۷ جمادى‌الاولی ۱۳۰۶ هـ ق بمدت ۶۰ سال بوی داده شد. اعطای این امتیازنامه از مهمترین خواسته‌های دولت انگلستان بود، چه محافل مالی انگلستان از اواسط قرن نوزدهم برای توسعه تجارت و تأمین پیشرفت صنایع خود بتأسیس مراکز بانکی در کشورهای دیگر احتیاج داشتند و بدنبال همین مقصود بود که پیش از تأسیس بانک شاهنشاهی بعلت آزاد بودن فعالیت بازرگانی و اقتصادی برای خارجیان، ابتدا بانک جدید شرق در سال ۱۲۶۶ هـ ش (مطابق ۱۸۸۸ م) بدون بدست آوردن امتیازی خالص در ایران گشایش یافت. و بدنبال آن بانک شاهنشاهی فعالیت اقتصادی را آغاز کرد، این بانک می‌توانست علاوه بر کارهای بانکی و صرافی بکارهای عمرانی و صنعتی نیز پردازد، چه بموجب فصل یازدهم امتیازنامه حق استخراج تمام معادن ایران (بجز معادن فلزات و انواع سنگهای قیمتی که از پیش به دیگری واگذار شده بود) و نیز ساختن راههای شوسه در سراسر کشور بمدت ۶۰ سال ببانک مذکور واگذار شد، علاوه بر امتیازات فوق بانک مزبور حق نشر اسکناس و معاف بودن از مالیات را نیز بدست آورد. بانک انگلیس را باید بهترین وسیله افزایش نفوذ اقتصادی انگلستان در ایران دانست.

۱- این امتیازنامه در زمان استبداد صغیر ۱۳۲۷ هـ ق تمدید شد.

دیگر از امتیازنامه‌هایی که در مسیر اسارت ملت ایران و تحکیم پایگاه سیاسی دولت‌های بیگانه در زمان سلطنت مظفردین‌شاه داده شد، امتیاز استخراج معادن نفت ایران بیک از سرمایه‌داران استرالیایی موسوم به ویلیام داریسی بود (در تاریخ ۹ صفر ۱۳۱۹ هـ ق - ۱۹۰۱ م). بموجب این امتیازنامه دولت ایران بزرگترین منبع ثروت خود یا نفت را بمدت ۶۰ سال به داریسی واگذار کرد و بوی اجازه تفتیش و استخراج و تجارت و حمل و نقل محصولات نفتی داد. داریسی نیز امتیاز خود را بشرکت «استخراجات اولی» که شرکتی انگلیسی بود تفویض کرد. دولت انگلستان در واقع با گرفتن این امتیازنامه ضربه‌ای سخت برقیب خود دولت روسیه تزاری فرود آورد دولت اخیر نیز در برابر هر یک از امتیازاتی که دولت انگلیس از ایران میگرفت بطور متقابل می‌کوشید تا امتیازات همانند سیاسی و اقتصادی از ایران بگیرد. از اینرو سرمایه‌داران دولت روسیه نمیتوانستند در برابر فعالیتهای دولت امپراتوری انگلستان بمنظور توسعه نفوذ خود در ایران آرام بنشینند و با داشتن زمینه مساعدی که بموجب عهدنامه ترکمانچای بخصوص در دربار ایران کسب کرده بودند، بمنظور جلوگیری از فرمانروایی سرمایه‌های اقتصادی رقیب و تسلط و تحکیم نفوذ خود در ایران بگرفتن امتیازاتی جدید در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی آغاز کردند. نفوذ روسیه تزاری بدنبال اعطای امتیازات تلگرافی به دولت انگلستان پیش از همه در ارتش ایران پدید آمد. امتیاز تشکیل قزاقخانه در ایران در زمان ناصرالدین‌شاه «(۱۲۱۷ هـ ق)» از طرف ایران بروسیه داده شد و مبلغ سی هزار تومان مخارج مربوط بدان از محل عایدات گمرکات ایران پرداخت گردید. فرماندهی بریگاد قزاق با افسران روسی بود.

و نیز در برابر بانک شاهنشاهی در ایران، دولت روسیه تزاری اقدام بتأسیس بانک استقراضی کرد. امتیاز این بانک نخست در سال ۱۲۶۹ هـ ش (۱۸۹۵ میلادی) بموجب پیشنهادی مبنی بر اجازه تأسیس انجمن استقراضی از طرف یکی از اتباع دولت روسیه در ایران داده شد، و این پیشنهاد مورد موافقت ناصرالدین‌شاه واقع گشت و مواد نظامنامه آن در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۲۷۰ هـ ش (۲۱ ماه مه ۱۸۹۱ م) از طرف دولت ایران به تصدیق رسید.

هدف این بانک در واقع شعبه‌ای از مالیه روسیه بشمار میرفت توسعه نفوذ در ایران و بخصوص رقابت با دولت انگلستان بود و دایره فعالیت آن بیشتر محدود

بپرداخت قرضه‌های کلان بدربار و رجال درباری و اعیان و ارباب نفوذ و حتی علماء، در رهنه و گرو گرفتن اشیاء گرانبها و اوراق بهادار بود از امتیازات دیگری که در زمینه راهسازی و ارتباطات به دولت روسیه تزاری داده شد باید امتیاز ساختن راه خلیج انزلی (بندر پهلوی) تا قزوین را نام برد که از طرف ناصرالدین شاه در دوم ذیحجه ۱۳۱۰ هـ ق بمدت ۹۹ سال بشرکت روسی «بیمه و حمل و نقل در ایران» داده شد و در طی این مدت مقرر گشت که دولت ایران از شرکت مزبور مالیاتی دریافت نکند. دایره امتیاز این شرکت پس از چهار سال وسعت یافت و امتیاز احداث راه شوسه تهران بقزوین و قزوین بهمدان را نیز بدست آورد، همچنین امتیاز راه شوسه جلفا و تبریز را بوعده ۹۹ سال تحصیل کرد، در ضمن امتیاز ساختمان و بهره‌برداری از بندر انزلی (پهلوی) و خطوط کشتیرانی در دریای خزر را بدست آورد، امتیاز خط تلگراف بین جلفا و تهران از راه تبریز بکمپانی انگلیسی «تلگرافات هند و اروپا» مقیم مسکو که تحت حمایت دولت روسیه بود واگذار گردید.

امتیاز استخراج معادن قراچه داغ آذربایجان در ۱۰ جمادی‌الآخر ۱۳۱۶ هـ ق بشرکت معادن روس بمدت هفتاد سال واگذار شد. در ضمن این امتیازنامه شرکت مزبور حق داشت در حوزه امتیاز راهمایی را که برای پیشرفت کارش ضروری میدانست بسازد. اعطای امتیاز شیلات بحر خزر به لیانازوف در سال ۱۲۸۵ هـ ق نیز از جمله مواردی است که دولت روسیه از آن منتفع شد، امتیاز اخیر بارها تجدید گشت و آخرین بار آن در زمان صدارت عین‌الدوله بود که آن را بمدت ۲۰ سال در برابر ۶۰ هزار تومان در سال تمدید کردند و نیز از واگذاری نفت شمال در سال ۱۳۲۴ هـ ق بدولت روسیه تزاری باید یاد کرد.

در زمینه امتیازات خارجی از اعطای امتیاز انحصار خرید و فروش و ساخت دخانیات ایران بیک شرکت انگلیسی موسوم به «هیئت شاهنشاهی دخانیات ایران» که صاحب امتیاز تالیوت نام داشته باید ذکر می‌آورد. گرچه این امتیاز از طرف ایران لغو گردید و بمرحله اجراء در نیامد ولی از آنجایی که تأثیر مستقیم در جنبش مشروطیت داشته است اشاره بآن لازم است.

توضیح اینکه ناصرالدین‌شاه در سومین سفر خود باروفا در سال ۱۳۰۷ هـ ق امتیاز مذکور را بیک شرکت انگلیسی وعده داد و در ۲۸ رجب ۱۳۰۸ هـ ق مطابق بیستم

مارس ۱۸۹۰ م امتیازنامه بمدت پنجاه سال تحت ۱۵ فصل تنظیم شد و بموجب فصل اول امتیازنامه مقرر گردید که شرکت مزبور سالی ۱۵ هزار لیره انگلیسی بعلاوه یک ربع منافع خالص بدولت ایران بپردازد و دولت ایران هم بموجب فصل هفتم امتیازنامه متعهد شد مالیات و عوارض و رسوم گمرک را که در آن تاریخ گرفته میشد در خلال مدت ۵۰ سال اضافه نکند.

این همان امتیازنامه‌ای است که ادوارد براون انگلیسی در تاریخ انقلاب ایران از آن بعنوان یکی از بدبختیهای دوره اخیر سلطنت ناصرالدینشاه یاد میکند، چه همین امتیاز است که موجب نارضایتی مردم گردید و وحدت کلیه طبقات کشور را چه روحانی و بازرگان و چه افراد عادی بر ضد حکومت و استعمار خارجی فراهم ساخت و عموم مردم از نظر امثال فتوای دو تن از مجتهدین و اجرای احکام شرعی که بموجب رأی آنان استعمال دخانیات تحریم شده بود جمیع دکانهای تنباکو و توتون فروشی را تعطیل کردند و در مدت کوتاهی استعمال دخانیات در ایران متروک شد. عاقبت شاه در برابر مخالفت مجتهدان و عالمان و ملت نتوانست ایستادگی کند و بناچار در تاریخ ۱۴ جمادی‌الآخر ۱۳۰۹ ه.ق امتیاز را لغو کرد و در مقابل چنانکه گفتیم مجبور به پرداخت معادل ۵۰۰ هزار لیره انگلیسی از بابت خسارت به کمپانی مزبور گردید.

دولت ایران بجز امتیازاتی که باتباع انگلیسی و روسی اعطا کرده است، بدیگر دولتهای خارجی نیز امتیازاتی بخشیده است. از جمله امتیاز بهره‌برداری از جنگلهای ایران که بیک مؤسسه «فرم» یونانی داده شد و امتیاز استخراج آثار عتیقه و حفریات تاریخی که در حدود سالهای ۱۳۰۰ - ۱۳۰۱ ه.ق از طرف ناصرالدینشاه بیک تن از اتباع فرانسوی بنام «مارسل اگوست دیولافوای M.A. Dieulafoy» اعطا گشت.

سیاست دروازه‌های باز، برداشتن مرزهای اقتصادی با وضع تعرفه‌های گمرکی که بخوبی بر اساس استیلا بر اقتصاد ایران بین دو دولت روسیه تزاری و انگلیس با دولت ایران تدوین شده بود، اعطای امتیازات، بخصوص تسلط مؤسسات بانکی خارجی بر بازار سرمایه و پول ایران و همچنین گرفتن وامهای متعدد از دولتهای خارجی و بوثیقه رفتن مهمترین و پردرآمدترین منابع درآمد کشور در قبال آنها، تسلط خارجی بر نیروی نظامی ایران، اداره دیویزیون قزاق بدست متخصصان و فرماندهان روسی، همه اینها اساس استقلال سیاسی و اقتصادی ایران را متزلزل ساخت و بخصوص اختلال سریعی که

در وضع مالی و اقتصادی کشور در اوایل قرن چهاردهم ه.ق پیش آمد تأثیر عمیقی در کلیه طبقات اجتماعی ایران بخشید.

امکان بهره‌برداری از منابع طبیعی ایران برای خارجیان، تنظیم معاهدات تجارتي زیان‌بخش بحال اتباع ایرانی، زیانهای آزادی واردات بخصوص وارداتی که از حقوق گمرکی معاف بودند، ضربت سختی بصنعت و کشاورزی کشور وارد میکرد، و این امر برای بورژوازی تاجر و سرمایه‌دار ایرانی بخصوص مسئله حیاتی را بوجود می‌آورد که خواه ناخواه واکنش نارضایتی از آن به صورت انقلاب بر ضد وضع موجود بوجود سیره تاریخی بود.

مسئله پریشانی و ورشکستگی طبقات بزرگی از اجتماع را، فرار از ده بشهر و یا مهاجرت تولیدکنندگان ثروت کشور چون روستائیان و کارگران بخارج از کشور، و یا ترک تابعیت گفتن و بحمايت دولتهای استعمارگر در آمدن، نمیتوانست درمان بخشد، محدود شدن منافع مادی مردم بوسیله شرکتهای خارجی و بخصوص تهدید هر یک از طبقات اجتماع، خودبخود موجبات وحدت و پیوستگی افراد را با یکدیگر بوجود می‌آورد و این نیرو و گاهی هم نیروهای متشکل همسود و همدرد برای دفاع از حقوق مسلم طبیعی خود بتدریج برای مبارزه بر ضد عوامل و عللی که منافع آنها را بمخاطره انداخته بود مجهز می‌شدند و در برابر فشار تراکم این نیروها هیچ عاملی جز از هم پاشیدن وضع موجود آن زمان و تأمین امنیت مالی و از بین رفتن علل اصلی نمیتوانست بمقاومت پردازد و آنرا در هم شکند. خواسته‌های عناصر انقلابی ایران پس از بدست آوردن حکومت مشروطه، از مجلس اول اینها بود: اصلاح وضع اقتصادی ایران، از راه محدود ساختن مخارج زاید دستگاه حاکم یا طبقه فرمانروا، مخالفت با قرضه خارجی، تأسیس بانک ملی با بکار انداختن سرمایه‌های داخلی، نسخ قاعده تیول و تسعیر. مخالفت با امتیازات خارجی که همه آنها بهترین نشان و معرف عامل سازنده انقلاب و محرک و انگیزه واقعی توده ملت در جنبش مشروطیت بوده است و ما در فصول آینده این مجموعه بتفصیل درباره کیفیت دخالت و تأثیر هر یک از طبقات مختلف اجتماع در انقلاب مشروطه و هدف واقعی آنها در مبارزات ملی با جمال گفتگو خواهیم کرد.

در پایان این مقال باید بایجاز درباره تغییراتی که در ترکیب جمعیت و طبقات ایران حاصل شد سخن گوئیم و تفصیل آن را بفصل دیگر این کتاب موکول کنیم.

با شروع مناسبات اقتصادی بین ایران و ممالک غربی و اقداماتی که در زمینه تسهیل روابط تجارتي در این کشور رخ داد و با توسعه تجارت و رشد اقتصاديات کشور در ربع اول قرن چهاردهم هجری، موجبات تحولات عمیقی در ساختمان طبقات اجتماعی ایران بوجود آمد.

جمعیت ایران که در دوره صفوی در حدود ۴۰ میلیون تن تخمین زده شده است در دوره پادشاهان قاجاری بموجب آمارهایی که سررالینسن و دکتر اف - ج - پولاک و دکتر شیندلر در حدود سالهای بین ۱۸۵۰ تا ۱۸۸۸ میلادی داده‌اند به ۶ تا ۱۰ میلیون تن تقلیل یافت^۱ بموجب آمار دکتر شیندلر از میان «هفت میلیون و نیم» جمعیت ایران نزدیک به دو میلیون تن جمعیت شهرنشین و در حدود پنج میلیون و نیم تن جمعیت روستانشین بوده است.

اختلاف فاحش بین جمعیت شهرنشین و روستانشین که بسبب نظام اجتماعی و وضع زندگی اقتصادی و عدم ارتباط نزدیک بین روستا و شهر پدید آمده بود در اواخر قرن سیزدهم هجری بحد اعلا رسیده بود. بخصوص که با پیشرفت تجارت و بازرگانی خارجی و در مواردی خاص و استثنائی بر اثر توسعه صنعت جدید طبقات ثروتمند تازه‌ای در برخی از شهرهای ایران رشد کردند تبدیل اکثر شهرهای مهم ایران، بخصوص شهرهای شمالی و جنوبی کشور و همچنین اصفهان و تهران بمراکز مهم تجارتي و تأسیس کمپانیهای تجارتي و تعداد معدودی کارخانه‌های صنعتی در برخی از نواحی فوق، تعداد جمعیت این شهرها را بتدریج افزون ساخت، همچنانکه اشاره کردیم طبقه سرمایه‌دار و تاجر توسعه یافت و چون موانعی در راه رشد صنایع موجود بود بورژوازی ایران بجای سرمایه‌گذاری در زمینه صنعت و تأسیس کارخانه‌های صنعتی سرمایه خود را صرف خرید زمینهای زراعتی کرد و بتدریج جای مالکان اشراف و فئودال را گرفت.

فزون شدن تعداد تحصیل کردگان دانشهای جدید در مغرب زمین یا در داخل ایران و بروی کار آمدن طبقات متوسط که در جریان تکون حکومتهای ملی از عوامل مفید و موثر بوده است و همچنین هوشیاری و بیداری نسبی توده مردم، بدنبال تحولاتی که در نتیجه اقتباس تمدن مادی و نشر فلسفه آزادی و تساوی حقوق ملل غرب در ایران

پیش آمد و نیز نفرت از استعمار و گسترش نفوذ خارجی در ایران سبب شد که طبقات ممتاز و روشنفکر ایران بمعایب عصر خود پی ببرند و همراه با طبقه بورژوازی تاجر و روحانیان که بععلل بسیار جانبدار بازاریان و پیشه‌وران و بازرگانان بودند، بر ضد مظالم حکومت استبداد و بخصوص استعمار انحصاری استعمارطلبان روس و انگلیس قیام کنند و دیری نگذشت که با شروع جنبشها و اعتصابات عمومی و ملی پایه تخت سلاطین مستبد قاجار را متزلزل ساختند.



فصل دوم

نهضت فکری

تماس و ارتباط ایران با دول غرب نه فقط موجب تحول عمیق در اوضاع اقتصادی ایران گردید - بشرحی که در فصل اول بتفصیل بیان شد - بلکه موجبات انتقال تمدن از غرب بشرق و انتشار فلسفه‌های آزادیخواهی و افکار جدید را نیز در ایران فراهم کرد. مقدمات تدریجی تحول افکار و بوجود آمدن گروههای روشنفکر در ایران حتی قبل از سلطنت ناصرالدینشاه فراهم شده بود، و از جمله عباس میرزا «نایب‌السلطنه» همت بر اخذ بعضی از آداب و فنون غربی از طریق استخدام هیأت‌های معلمان فرانسوی و انگلیسی مصروف داشت و اقداماتی که این هیأتها در زمینه احداث کارخانه‌های اسلحه‌سازی و استخراج بعضی از معادن و همچنین سازمان دادن سپاه بسبک اروپایی نمودند، راه را بر نفوذ تمدن مادی غرب در ایران هموار کرد.

از طرف دیگر گسیل کردن دانشجو برای تخصص در رشته‌های مختلف فنی به لندن در زمان سلطنت محمدشاه و دایر کردن چاپخانه و مبادله سفرا بین ایران و دول اروپایی تا حدی در زمینه نشر افکار اروپایی در ایران مؤثر بوده است. ولی پیشرفت شایان توجه در امر نفوذ افکار آزادیخواهی را باید از نیمه دوم قرن سیزدهم ه.ق دانست که دوره اقتباس تمدن جدید توسط میرزا تقی‌خان امیر کبیر صدراعظم بود، و بدنبال مساعی آن وزیر با تدبیر و اقدامات اصلاح طلبانه وی همت بعضی از وزراء و رجال روشنفکر نیز از جمله عوامل مؤثر بشمار میرود.

در اینجا شایسته است قبل از بیان تحولات عمده اجتماعی و فرهنگی و فکری که در ایران حاصل شد از شخصیت‌های برگزیده‌ای که در دگرگونی اوضاع قدیم و نفوذ

تمدن و اندیشه‌های تازه و وظیفه قابل ملاحظه‌ای برعهده داشتند با جمال یاد کنیم.

از جمله نخست باید میرزا تقی‌خان امیر کبیر را نام برد که خود مستقیم زیر تأثیر مکتب تمدن جدید و آزادیخواهی غرب قرار گرفت و در نمایندگی‌های سیاسی خود بخارج از کشور (روسیه ۴۴ - ۱۲۴۵ ه.ق، و ایروان در رجب ۱۲۵۳ ه.ق، و ارزنه‌الروم در سال ۶۳ - ۱۲۵۹ ه.ق) و بازدید از مؤسسات مختلف صنعتی و نظامی و مشکلات اداری و بهداری کشور روسیه، شیفته ترقیات و تمدن جدید گردید. تماس با دنیای آزاد و بخصوص آگاهی از پیشرفتهای مادی و معنوی روسیه آن چنان تأثیری در روحیه او باقی گذاشت که چون بمقام صدارت ایران رسید هیچ عاملی او را از اجرای نقشه‌هایی که از پیش برای چاره‌جویی عقب‌ماندگی کشور طرح کرده بود بازداشت و بیک رشته اصلاحات در زمینه‌های مختلف از آنجمله: امور فرهنگی، قضایی و اقتصادی و بخصوص صنعت دست زد و با اینکه مدت صدارتش کوتاه بود ولی میتوان گفت نقشه‌های مترقیانه وی مقدمه تحولات بزرگ و اساسی در کشور ایران گردید.

مهمترین مؤسساتی که در روسیه مورد توجه امیر کبیر واقع گردید، مؤسسات فرهنگی آنکشور بودند که وی تحت تأثیر آن بتأسیس دارالفنون اقدام کرد و اینکار را میتوان از مهمترین و مفیدترین اقدامات امیر کبیر در ترویج علوم جدید و فرهنگ نو در ایران دانست.

بدنبال اولین کاروان معرفت که در نیمه اول قرن سیزدهم ه.ق رهسپار مغرب زمین شد، امیر کبیر عده‌ای هنرآموز و صنعتگر روانه روسیه کرد تا صنایع جدید را در کارخانه‌های مسکو و پترزبورگ یاد گیرند، هنرآموزان فوق پس از مراجعت بوطن بمشاغل مختلف گمارده شدند و افکار نو و ترقی‌خواهی را با خود بهمراه آوردند.

علاوه بر تأسیس مؤسسات فرهنگی مشابه مدارس غربی، گسیل کردن دانشجوی بخارج از کشور و مسافرت نمایندگان سیاسی و رجال آزادیخواه و افرادی از طبقات سرمایه‌دار کشور بممالک غربی خود یکی از عوامل مؤثر نشر تمدن جدید و افکار آزادیخواهی بود.

فکر تأسیس اولین مطبعه چاپ کتابهای فارسی و همچنین ایجاد اولین روزنامه فارسی در ایران از میان گروه تحصیل کردگان مکتب غرب برخاست. میرزا صالح شیرازی که در سال ۱۲۳۰ ه.ق مطابق با ۱۸۱۵ میلادی از طرف دولت ایران بانگلستان

اعزام شده بود، در ضمن تحصیل در آن سرزمین تحت تأثیر محیط تعلیم خود قرار گرفت و در مراجعت بایران در ضمن اشتغال بکارهای سیاسی بتأسیس روزنامه‌ای در ایران پرداخت، تجلیات افکار تجددخواهانه او در سفرنامه‌اش بخوبی نمودار است که در آن ضمن از قوانین و مؤسسات اجتماعی و حکومت ملی انگلستان و مقایسه‌ای میان آن نوع حکومت با حکومتهای مطلق و مظالم ناشی از آنها بحث میکند.

توجه بلزوم تأسیس شورای دولتی را در ایران بشرحی که در ذیل خواهد آمد، می‌توان نتیجه فکر و اقدام میرزا جعفرخان مشیرالدوله که از پرورش یافتگان غرب است دانست.^۱

پس از امیر کبیر در زمان وزارت علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه در سال ۱۲۷۶ ه.ق گام دیگری در همین راه برداشته شد و از میان بهترین فارغ‌التحصیلان دارالفنون ۴۲ تن برای آموختن فنون و علوم مختلف بفرانسه گسیل شدند. همراه با اقداماتی که از طرف دولت در زمینه تربیت متخصص چه در داخل کشور و چه در خارج صورت میگرفت جمعی از افراد دوراندیش و روشن‌بین نیز نظر بمقتضیات زمان فرزندان خود را برای اخذ تعلیم و تربیت جدید باروپا گسیل داشتند، از میان همین گروه اقلیت، رجال سیاسی و مردان بزرگی برخاستند که نقشهای مؤثری در اداره امور مملکت برعهده گرفتند.

میرزا حسینخان سپهسالار، میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، میرزا یحیی‌خان مشیرالدوله رجال سیاسی مؤثر عصر ناصری را که هر یک به نحوی در اشاعه تمدن جدید و اندیشه‌های آزادیخواهی سهمی بسزا داشته‌اند میتوان بعنوان نمونه و شاخص این گروه نام برد.

۱- میرزا سیدجعفرخان مشیرالدوله یکی از رجالی است که از اواسط عهد فتحعلیشاه تا اواسط سلطنت ناصرالدینشاه دارای مشاغل مهم دولتی بوده است. وی از اولین تحصیل کردگان اروپاست، در سال ۱۲۳۰ ه. ق موقعی که عباس میرزا نایب‌السلطنه تصیم گرفت عده‌ای را جهت فراگرفتن علوم جدید روانه انگلستان کند میرزا جعفر نیز از جانب ایشان برای تحصیل علوم مهندسی عازم آن مملکت گردید، نامبرده قریب سه سال و نیم بتحصیل فنون و هندسه و صنایع مربوط بنظام مشغول بود، و در سال ۱۲۵۲ هجری قمری بعنوان سفارت مأمور عثمانی شد. نقل از تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی. ج، ۲، صفحه ۱۶۴

میرزا حسینخان سپهسالار، علاوه بر آنکه تحت تأثیر محیط تعلیم و تربیت فرانسه قرار گرفت، در دوران دوازده ساله نمایندگی سیاسی خود در اسلامبول تحولات اجتماعی و سیاسی عثمانی که باعلان حکومت مشروطه در آن مملکت منجر گردید نیز در وی تأثیر بخشید، و چون بمقام صدارت عظمی در ایران رسید، بمنظور بیدار کردن مردم و نشر افکار صحیح بکارهای اصلاح طلبانه‌ای در امور حکومت و دستگاه قضا دست یازید. منزلت و مقام میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، و اثر مثبتی که در بیداری ایرانیان داشته است مورد اتفاق اکثر مورخان میباشد: ناظم‌الاسلام کرمانی در مورد میرزا ملکم خان چنین می‌گوید:

«شرح خدمات لایقات آن مرحوم در جنبش خفتگان و بیداری ایرانیان دفتری علیحده را درخور است میتوان گفت اول کسی است که تخم قانون در این سرزمین کاشت و نیز یکی از نویسندگان در مورد او چنین نوشته است: مقام پرنس ملکم خان در ایران همانند مقام ولتر، ژان ژاک روسو، ویکتور هوگو است در ملت فرانسه. فضیلت ملکم خان در اینست که او وقتی ساز تمدن آغاز نمود که از هزار نفر بکنفر باین مراتب آشنا نبود و کلمات او اثری شایان در قلوب ایرانیان نمود».

میرزا یوسفخان مستشارالدوله را که از رجال و نمایندگان مهم سیاسی عصر ناصری است میتوان از جمله پیشروان فکر آزادی دانست وی از رجال آزادیخواهی بود که تحت تأثیر تمدن فرانسه و کارهای اصلاح طلبانه عثمانی قرار گرفت، وی از پیروان مسلک ملکم خان بود و در ضمن مسافرتها متعدد خود بخارج با روش حکومت قانونی و افکار آزادیخواهی آشنا شد، لزوم اخذ تمدن جدید و برقراری حکومت قانون را در ایران در ضمن بیان اصول افکار سیاسی خود در چندین رساله مدون ساخت. کتاب «یک کلمه» او بهترین معرف افکار آزادیخواهانهاش میباشد و خود در معنی آن چنین میگوید «یک کلمه‌ای که جمیع انتظامات فرنگستان در آن مندرج است کتاب قانون است که جمیع شرایط و انتظامات معمول بها که بامور دنیویه تعلق دارد در آن محرز و مسطور است و دولت و امت معاکفیل بقای آن است، شاه و گدا و رعیت و لشکری در بند آن مقید هستند و احدی قدرت مخالفت با کتاب قانون ندارد».

۱- تاریخ بیداری ایرانیان صفحه ۱۲۱

۲- فکر آزادی صفحه ۱۸۷

علاوه بر گروه تحصیل کردگان مکتب غرب دسته دیگری که در اشاعه تمدن تازه و فکر آزادیخواهی مؤثر بودند، طبقه بازرگانان بودند که بسبب رونق تجارت خارجی ایران و افزایش سرمایه، بمنظور صدور کالاهای خود بتأسیس کمپانیهای تجارتي و ایجاد شعب آن در ممالک خارجی اقدام کردند.

این گروه اغلب از وطن خود دور شدند و با سیر و سیاحت در دنیای متمدن (بخصوص در روسیه و عثمانی و هندوستان و انگلیس) و برخورد با تمدن معاصر اندیشه‌های نو پیدا کردند و تأثیر این دگرگونی بصورت اموری از قبیل: میل بیرویش و تعلیم فرزندان بسبک جدید و فرستادن آنها بممالک اروپایی و کوشش در تغییر وضع موجود سیاسی مملکت در آن زمان بروز و خودنمایی کرد.

کمی دیرتر پس از نفوذ سرمایه‌های خارجی در ایران و تعطیل کارخانه‌های نویناد ایرانی و بیرونق شدن کارگاههای صنایع دستی و همچنین بر اثر تعدیات حکام و ملاکان فئودال طبقه روستاییان و پیشه‌وران، عده‌ای از کارگران و روستاییان ناراضی برای جستجوی امنیت و کار بقفقاز روی آوردند و از نزدیک ناظر و شاهد جنبشها و انقلابهای بلشویکی قفقاز شدند، و هم ایشان یک نیروی ملی مبلغ آزادی و جنبش بر ضد استعمار خارجی و طبقه فئودال داخلی را بوجود آوردند.

بطور کلی تماس و ارتباطی که در دوره سلطنت پنجاه ساله ناصرالدینشاه و همچنین بروزگار مظفرالدینشاه بسعی و اهتمام بعضی از وزراء و رجال خوشفکر آزادیخواه میان ایران و اروپا برقرار گردید و مسافرتها متعددی که هر دو پادشاه مذکور بممالک اروپایی کردند، ایرانیان را از نزدیک با تمدن غربی آشنا ساخت. از طرف دیگر مأموریتهای سیاسی بعضی از رجال و عناصر درباری در ممالک غربی و گزارشهایی که از تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی اروپا و از جمله از تغییرات در اصول مملکتداری و برقراری حکومت قانون و حاکمیت ملی و تأمین آزادی و تساوی حقوق فردی در ممالک غرب بحکومت‌های وقت میدادند، افکار بعضی از اولیای امور را آماده پذیرش تمدن غربی و اقتباس پاره‌ای از اصلاحات در دستگاه حکومت کرد.

مجموع عوامل فوق سبب شد تا ایرانیان خارج از کشور که از نزدیک ترقیات و تشکیلات جدید اروپایی را می‌دیدند و با قوانین تازه و فرهنگ و تمدن نو آشنا می‌شدند چون بمیهن بازمی‌گشتند افکار تازه آنان موجب تغییرات اساسی و نوین در سازمانهای

مملکتی و سبب ایجاد تشکیلات تازه فرهنگی گردد از جمله این تأثیرات، انتظام دستگاه قضایی ایران بسبب جدید بود. میرزا حسینخان سپهسالار بموجب فرمان ناصرالدینشاه در ۱۲۷۹ ه.ق کتابچه قانونی که شامل اصول اداره دیوان عدلیه اعظم بود در دو فصل تنظیم کرد و بموجب آن دستور عمل اختیارات وزارت عدلیه که بصره شاه هم رسیده بود صادر گردید این دستور عمل تا حدودی از اختیارات وزراء و حکام کاست و در پاره‌ای از موارد به نمایندگان عدلیه اجازه داد تا هرگاه از حکام امری خلاف قانون ببینند بوزارت عدلیه گزارش دهند تا مطلب بعرض شاه برسد و حاکم متخلف مجازات شود.^۱

تحول مهم دیگر تشکیل شورای دولتی یا هیأت وزراء بود: شورای دولتی ابتدا در سال ۱۲۷۵ ه.ق توسط میرزا جعفرخان مشیرالدوله تأسیس شد و شش وزارتخانه که عبارت از: وزارت خارجه، وزارت مالیه، وزارت داخله، وزارت جنگ، وزارت وظایف، وزارت علوم باشند سازمان گرفت. بعضی از رجال کهنه‌پرست که مخالف تغییر اوضاع بودند بسعایت از میرزا جعفرخان نزد شاه پرداختند و در نتیجه شورای دولتی در عمل تعطیل گردید و آنگاه بار دیگر «اساسنامه تشکیل دربار اعظم» که توسط میرزا حسینخان سپهسالار تهیه شده بود بتصویب ناصرالدینشاه رسید.^۲

در تاریخ دوم شوال ۱۲۸۹ ه.ق رسماً مجلس مشورت وزراء تشکیل و نه وزارتخانه

۱- تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه ج ۱ صفحه ۶۹.

۲- از این نظر که اساسنامه مزبور مقدمات اعطای اختیارات قانونگذاری بهیأت دولت «قوه مجریه» را فراهم میسازد در اینجا متن مقدمه آن را نقل مینمائیم.

«محسنت تشکیل دربار اعظم را مکرر بندگان اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه و دولته بیان و تصدیق فرموده‌اند باقتضای همان فرمایشات ملوکانه این دولت ابد مدت باید حکماً یک هیئت رسمی داشته باشد، فوائد چنان هیئت رسمی با منظورات جدید شاهانه از برای دولت علیه ایران محسوس است. بخصوص از برای این عهد که بندگان اقدس شاهنشاهی عازم مسافرت فرنگستان هستند در غیاب همایون زیاده از حد لازم است که دولت ایران یک هیئت رسمی و یک صورت باعظم و شکوهی داشته باشد:

خلاصه اصول دربار اعظم را عرض کرده‌ام و چون این معانی در این صفحات چندان بروز و ظهوری نداشته‌اند بنظر خیلی ساده و سهل و بی‌نتیجه خواهد آمد. همین قدر عرض میکنم که انتظام کل امور دولت بسته باین چند فقره مطلب ساده است: نتایج این مطالب را باید در امتحانات سایر

جدید که عبارت باشند از: وزارت داخله، وزارت خارجه، وزارت جنگ، وزارت مالیه، وزارت عدلیه، وزارت فوائد، وزارت تجارت و زراعت، وزارت دربار و صدارت عظمی، افتتاح یافت.

دیگر از تشکیلات و سازمانهای نوین اداره پلیس و پستخانه و اداره پست و تلگراف و تلفون است که چنانکه در فصل آینده در ضمن بیان وقایع جنبش مشروطیت خواهیم دید اغلب پناهگاه آزادی خواهان و محل تحصن ایشان قرار گرفته است.

تحول بسیار مهم دیگر افتتاح مدارس بسبب جدید و مهمتر از آن پیشرفت مطبوعات و بدنبال آن تشکیل جمعیتها و احزاب پنهانی بود که با انتشار شبنامه‌ها و بیانیه‌ها مردم را بشور و هیجان آوردند، از مؤثرترین عوامل تکان دهنده ملت بود. شبهه‌ای نیست که هر یک از تحولات فوق بنوبه خود عامل مؤثری در بیداری افکار بوده و راه را بر پیشرفت بسوی هدف آزادی خواهان و پیشروان انقلاب هموار ساخته است.

تصویب لایحه شورای دولتی مقدمه اصلاح تشکیلات اداری بود و توانست در عمل مقداری از قدرت مطلق سلطنت بکاهد، پدید آمدن وزارتخانه‌های جدید و تقسیم امور جاری مملکت در دست واحدهای متعدد، از تمرکز یافتن قدرت تام و تمام در دست صدراعظمهای خودمختار می‌کاست، و از طرف دیگر انجام گرفتن اصلاحاتی در امور قضایی و بتوسط وزارت عدلیه که اختیارات بیشتری یافته بود موجبات محدود شدن قدرت محاکم شرعی شد که در ضمن زمینه نارضائی روحانیان را که جمعی از ایشان بعدها در صف انقلاب جانب مخالف دولت وقت را گرفتند فراهم نمود.

پیشرفت امور پست و تلگراف و تلفون و همچنین اقداماتی که در زمینه راهسازی انجام گرفته بود، از طرفی وسیله ارتباط نزدیک مردم با یکدیگر و از طرف دیگر عامل تمرکز حکومت و نفوذ او در سراسر مملکت گردید و این هر دو تحول در جریان

→

دول مشاهده کرد امیدوارم که از یمن تربیت و تقویت همت شاهنشاهی بر این اساس ساده یک بنائی ساخته شود که نام نامی شاهنشاهی را تا انقراض تواریخ مایه تشکرات ملت ایران و موجب تمجید کل

آیندگان بسازد.» تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه ج ۱ صفحه ۱۲۰

قابل توجه است که در این مقدمه، برای بار اول در اسناد رسمی اهمیت رضا و «تشکر»

ملت تذکر داده شده است.

مشروطیت ایران تأثیر آشکار دارد.

مؤسسات فرهنگی در دنباله تاسیس دارالفنون در ایران بوجود آمد: دارالفنون همچنانکه در صفحه‌های پیشین اشاره نمودیم از اقدامات امیر کبیر و در زمان ناصرالدینشاه بود، مقدمات ایجاد مؤسسه مزبور از سال ۱۲۶۶ ه.ق با استخدام معلمان خارجی «اتریشی» که تعداد آنها هفت تن بود و هر یک در رشته‌ای از علوم و فنون تخصص داشتند فراهم شد^۱ و افتتاح آن در پنجم ربیع‌الاول سال ۱۲۶۸ ه.ق با وجود مخالفت میرزا آقاخان نوری که پس از عزل امیر کبیر صدراعظم ایران شد از طرف ناصرالدینشاه صورت گرفت. تاسیس دارالفنون را باید مبدأ تحول فرهنگ ایران دانست، چه اولین مؤسسه فرهنگی بسبک جدید بود که بخرج دولت بوجود آمد و تحصیل در آن مجانی.

از نتایج مفید ایجاد این مؤسسه اشاعه آثار مختلف خارجی در زمینه علوم و فنون جدید در ایران بود، ترجمه و نشر کتب خارجی توسط معلمان اتریشی و فرانسوی و دانشجویان فارغ‌التحصیل آن انجام میگرفت، تأثیر مستقیم افکار معلمان خارجی در بین دانشجویان دارالفنون که از میان طبقات و قشرهای مختلف جامعه گرد آمده بودند عامل مهم دیگر تحول فکری بود... تعداد دانش‌آموزان دارالفنون در رشته‌های مختلف در نخستین سال تاسیس بشرح زیر بوده است:

- ۱- رشته توپخانه ۲۶ تن
- ۲- رشته طب ۲۰ تن
- ۳- رشته پیاده نظام ۳۰ تن
- ۴- رشته سواره نظام ۵ تن
- ۵- رشته مهندسی ۱۲ تن
- ۶- رشته معدن‌شناسی ۵ تن
- ۷- رشته داروسازی ۷ تن

۱- مترجمان معلمان مزبور از میان دانشجویان گسیل شده بفرانسه « ۱۲۶۰ هجری قمری »

انتخاب شده بودند.

جمع ۱۰۵ تن

لرد کرزن که در سال ۱۳۰۷ ه.ق مطابق با ۱۸۸۰ میلادی بایران مسافرت کرده است، عده شاگردان دارالفنون را در آن سال حدود ۳۸۷ تن تخمین زده است بدین شرح:

- ۱- صنف مختلف نظام ۷۵ تن
- ۲- شعب مختلف علوم و صنایع ۱۴۰ تن
- ۳- شعبه زبان فرانسه ۴۵ تن
- ۴- شعبه زبان انگلیسی ۳۷ تن
- ۵- شعبه نقشه‌کشی ۸۰ تن
- ۶- شعبه زبان روسی ۱۰ تن

جمع ۳۸۷ تن^۱

محمد حسنخان صنیع‌الدوله، عده شاگردان دارالفنون را در سال ۱۲۹۶ ه.ق مطابق ۱۸۷۹ میلادی بالغ بر ۴۶۵ تن و عده معلمان را جمعا ۱۱ تن ذکر کرده است.^۲ تاریخ تاسیس اولین دبستان بسبک جدید را سال ۱۲۷۵ ش مطابق با ۱۳۱۴ ه.ق ذکر کرده‌اند. این دبستان توسط میرزا حسن رشیدی در تبریز بوجود آمد، و باید دانست که در زمان صدارت میرزا حسینخان سپهسالار (۱۲۹۰ ه.ق) مدرسه‌ای بسبک جدید بنام مدرسه مشیری در تهران تاسیس یافت در سال ۱۲۹۳ ه.ق در تبریز مدرسه‌ای بسبک دارالفنون با معلمان ایرانی و اروپائی از طرف دولت تاسیس شد که میتوان گفت بعد از دارالفنون دومین مدرسه عالی دولتی در ایران محسوب میشود.

علاوه بر مدارس که از طرف ایرانیان در کشور بسبک تازه و نوین تاسیس شد از طرف اقلیت‌های مذهبی و خارجیان نیز مدارس بوجود آمد که از آنجمله است:

- مدرسه پسرانه آمریکایی در ارومیه در سال ۱۲۵۲ ه.ق
- نخستین مدرسه دخترانه آمریکایی در ارومیه سال ۱۲۵۴ ه.ق
- مدرسه سن‌لوتی بتوسط لازاریستها در تهران که در سال ۱۲۷۷ ه.ق افتتاح شد.

۱- امیرکبیر و ایران صفحه ۱۵۳

۲- مرآب‌البلدان ج ۳

مدارس دخترانه در تبریز و ارومیه و سلماس و اصفهان در سال ۱۲۸۲ ه.ق از طرف خواهران سن و نسان دوپل برپا شد.

مدارس مشابه که در تبریز در سال ۱۲۹۰ ه.ق و در همدان بسال ۱۲۹۸ ه.ق و در رشت در سال ۱۳۰۰ ه.ق بوجود آمد. در سال ۱۲۹۲ ه.ق جمعیت خواهران سابق‌الذکر مدرسه دخترانه سن ژرف را در تهران باز کرد. جمعیت آلیانس فرانسه مدرسه‌ای بهمین نام در تهران در سال ۱۳۱۳ ه.ق افتتاح کرد، و جمعیت مذهبی انگلیسی استوارت ممریال کالج را در اصفهان در سال ۱۳۲۲ ه.ق و سپس مدارس دیگری در شیراز و کرمان و یزد تأسیس کرد.^۱

از جمله مدارس مهمی که می‌توان آنها را پایگاه دانشگاه در ایران دانست مدرسه علوم سیاسی است که در سال ۱۳۱۷ ه.ق از طرف وزارت امور خارجه تأسیس گشت^۲ و همچنین مدرسه فلاح که در سال ۱۳۱۸ ه.ق پایه‌گذاری شد.

تأسیس مدارس بسبب جدید توسط اتباع خارجی و همچنین ایرانیان و استقبال بی‌ظنیری که از طرف طبقات خاصی از آنها انجام گرفت در عین اینکه نشانه هوشیاری و بیداری مردم ایران بود بنوبه خود از عوامل مؤثر روشن شدن افکار عامه ملت نیز گردید، تعداد این مدارس با وجود مخالفت بعضی از ملانمایان بر اثر پشتیبانی و حمایتی که برخی از روحانیان روشنفکر و بنام مانند: شیخ هادی نجم آبادی و سید محمد طباطبائی مینمودند روبفزونی گذاشت و این افزایش که با پشتیبانی توده‌های مردم صورت می‌گرفت بخصوص در زمان مظفردالدین‌شاه با توجه بشرايط زمان در خور ستایش می‌باشد.

آمار دقیق و صحیحی از مدارس قبل از مشروطیت در دست نداریم ولی ناظم‌الاسلام کرمانی تعداد مدارس را که در عهد مظفردالدین‌شاه فقط در تهران تأسیس شده است در حدود ۴۸ باب میدانند در ضمن باید دانست که همزمان با افزایش مؤسسات فوق در تهران، در سایر شهرستانها از قبیل آذربایجان، اصفهان، یزد، کرمان، مشهد و

۱- تاریخ فرهنگ صفحه ۳۴۴

۲- مدرسه علوم سیاسی بهمت میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله و همچنین میرزا حسن‌خان

مشیرالدوله پسر میرزا نصرالله‌خان ایجاد شد.

همدان، کرمانشاهان، شیراز، بوشهر، رشت نیز مدارس جدید تأسیس یافته و تعداد آنها روبفزونی رفته است.

تأثیر مطبوعات مطلب دیگری است که شایان توجه می‌باشد: روزنامه‌ها و مطبوعات با اینکه در اواخر قرن سیزدهم و ربع اول قرن چهاردهم به تعداد کم و اغلب در خارج ایران انتشار مییافت باز هم از عوامل عمده انتشار نهضت تجددطلبی و حکومت ملی بود و در میان موجبات و علل بی‌شمار روشن شدن افکار و استقبال از حکومت قانون مشروطه، تأثیر بسزائی داشت. از جمله نخستین روزنامه‌های ایرانی که بسبب نوین در ایران منتشر شد، روزنامه وقایع اتفاقیه است^۱ که بفرمان و هدایت میرزا تقی‌خان امیر کبیر و مدیریت میرزا جبار تذکره‌چی در سال ۱۲۶۷ ه.ق انتشار یافت. مندرجات روزنامه مزبور در دو قسمت و بدون سرمقاله سیاسی و انتقادی و اجتماعی حاوی اخبار داخله و خارجه است، مضامین قسمت اول تحت عنوان (اخبار ممالک محروسه پادشاهی) بیشتر در زمینه گزارش عملیات دولت و حوادث و وقایع شهری می‌باشد و قسمت دوم تحت عنوان اخبار دول خارجی با احوالات متفرقه است که اغلب از روزنامه‌های خارجی ترجمه و نقل شده است. مضامین قسمت دوم از آنجا که شمه‌ای از اوضاع سیاسی و اجتماعی همراه با سایر مطالب متنوع و مفید ممالک غربی و متمدن را بدست میداده است شایان توجه می‌باشد. انتشار روزنامه مزبور با اینکه جنبه انقلابی نداشته است، با گزارش نحوه حکومت ملی و پارلمانی و بخصوص قیام مبارزات آزادیخواهان و عناصر انقلابی بعضی از ممالک اروپایی و مهمتر از آن جریان پیشرفت‌ها و ترقیات ممالک غربی در زمینه صنعت جدید، بی‌تأثیر در هوشیاری ملت نسبت بعقب ماندگی خود از تمدن جدید و آگاهی از تحولات سیاسی و فکری دنیای آزاد و تأثیر صنعت جدید در بهبود اوضاع اجتماعی آن ممالک نبوده و در هشیار ساختن و بیداری افکار آنها سهم قابل ملاحظه‌ای داشته است. و ما در اینجا بنقل بعضی از مندرجات

۱- اولین روزنامه ایرانی در سال ۱۲۵۳ هجری قمری توسط میرزا صالح شیرازی در زمان

سلطنت محمدشاه انتشار یافت و مندرجات آن در دو صفحه حاوی اخبار داخله و خارجه تحت عنوان (اخبار ممالک شرقیه) و اخبار ممالک غربیه بوده است.

روزنامه فوق که جنبه دولتی داشته و بموجب فرمان دولت خریداری آن برای پاره‌ای از طبقات اجباری بوده^۱ ناچار خواننده بسیار داشته است میپردازیم:

از آنجمله در شماره ۲۴ پنجشنبه ۱۷ رمضان سنه ۱۲۶۷ ه.ق در اخبار دول خارجه خبری از پارلمان انگلیس در آن شماره بدین شرح دیده می‌شود. «چونکه اکثر اهل مشورتخانه در باب بعضی از امورات رأیشان مخالف رأی وزراء است مدتیست که راه بردن امورات دولتی برای وزراء مشکل شده است» و نیز در شماره ۲۶ پنجشنبه دوم شوال سنه ۱۲۶۷ ه.ق صفحه ۴ از پارلمان فرانسه چنین خبر میدهد «در مشورتخانه فرانسه گفتگو شده است در خصوص عوض کردن بعضی قانون گرفتن و کلای رعایا و راه بردن امورات دولتی و در این باب رأی اهل مشورتخانه بسیار مخالف یکدیگر است بعضی می‌خواهند که پادشاهی دوباره در فرانسه برقرار شود و بعضی رأیشان این است که زور راندن امورات دولتی در دست عامه مردم باشد».

همانطور که در بالا اشاره شد مسئله مبارزاتی که ملت‌هایی چون ایتالیا و اسپانیا داشته‌اند در اکثر شماره‌های روزنامه مزبور منعکس است و ما برای نمونه خبری از شماره ۱۶۶ پنجشنبه هشتم رجب سال ۱۲۷۰ ه.ق و شماره ۲۰۰ پنجشنبه ۱۲۷۱ ه.ق از ستون اخبار خارجی نقل مینماییم:

«در اخبار ایتالیا: در زمستان گذشته معلوم شده است که بعضی از اهل آنجا باز بنای برهم زدن پاپا را داشتند بعضی‌شان خیال داشتند که پادشاه بجهت ایتالیا برقرار شود که کل ممالک ایتالیا در زیر حکومت یک پادشاه باشد و بعضی هم خیال اینرا داشتند که در آنجا جمهوری برپا شود».

«در مملکت اسپانیول، بنا داشتند در هر بلوکی و شهری چنانکه قاعده دارند و کیل معین کنند که بیایتخت برود و قرار درست در امورات آنولایت بگذارد ولکن

۱- از آنجا که منظور اعلیحضرت پادشاهی در راه انداختن این روزنامه ترتیب و استحضر و آگاهی عموم خلق این دولت علیه از احکام دیوانی و اخبار داخله و خارجه است، لہذا حکم و مقرر فرموده‌اند که اعیان و ارکان دولت و مقربان حضرت و حکام و عمال و مباشرین و خوانین، معاریف و تجار معتبر ولایات و خوانین و ایل بگیان ایلات و عموم صاحب منصبان نظام برسیل حکم دیوانی از این روزنامه‌ها باید بگیرند و سایر خلق باختیار و میل خودشان هر کس طالب باشد از این روزنامه‌ها اخبار نماید و بگیرد...» روزنامه وقایع اتفاقیه صفحه ۲ شماره ۴۲ سال ۱۲۶۷ - ق

هنوز نظم نگرفته است و از طوریکه مردم در فرنگستان گمان می‌برند بسیار مشکل است که این ولایت نظم درست بگیرد».

و نیز در شماره ۳۶ مورخ ۱۶ ذیحجه ۱۲۶۷ ه.ق در ضمن اخبار خارجه از فرانسه به آزادی مطبوعات و حدود آن اشاره کرده و بدینوسیله تصور آزادی قلم و مطبوعات را در اذهان بتدریج بوجود آورده است. (در ولایت فرانسه چونکه مانند ولایت انگلیس و اکثر ولایات فرنگستان قانون آزادی است روزنامه‌نویسان آنچه دلشان می‌خواهد در روزنامه مینویسند، مگر چیزی که ضرر بدولت داشته باشد نباید بنویسند. اما در این روزها بعضی از روزنامه‌نویسان که طالب فساد و بهم خوردگی دولت بودند زیاد از قانون خودشان بیرون رفته‌اند آنها را بعدالت‌خانه کشیده‌اند و تقصیرشان را ثابت کرده‌اند».

باید دانست که مطبوعات بطور کلی در عهد ناصرالدینشاه آزادی نداشتند، و اداره‌ای جهت سانسور و تفتیش کتب و روزنامه‌ها بسرپرستی محمد حسنخان اعتمادالسلطنه تأسیس شده بود.^۱

با اینکه هدف دولت از این اقدام کنترل مطبوعات و جراند انتشار یافته در خارج از مملکت بود، باز هم نشریات روزنامه‌های متعددی بزبان فارسی قبل از اعلام مشروطیت از طرف آزادیخواهان در خارج از ایران انتشار یافت و ناشران آنها که اغلب در قفقاز، استانبول، بمبئی، کلکته، مصر و لندن بسر می‌بردند با تحمل سختیهای فراوان بتوزیع روزنامه و نشریات خود بوسایل پنهانی پرداختند و این جراند را توسط بازرگانان و جهانگردان و همچنین زوار روانه ایران می‌کردند و از این راه در ترویج افکار تازه و علاقه‌مند کردن مردم بحکومت قانون در کشور میکوشیدند.

در میان روزنامه‌های ملی که در خارج از کشور منتشر میشده و بطورمخفی بایران میرسید و تأثیر بسزایی در بیداری افکار و نهضت مشروطیت داشته است روزنامه‌های، قانون، جبل‌المتین، پرورش، ثریا، اختر، چهره‌نما، حکمت و ارشاد قابل ذکر است.

روزنامه قانون بمدیریت میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله در هشت صفحه بقطع وزیری

بزرگ بود و اولین شماره آن در ۳۰ رجب سال ۱۳۰۷ ه.ق در لندن منتشر شد.^۱ مندرجات روزنامه مزبور در دو قسمت زیر عنوان شعارهای «اتفاق و عدالت، ترقی» بعد از عنوان قانون، بتشریح فساد هیأت حاکمه ایران می‌پردازد و بلزوم تغییر حکومت و ضرورت برقراری حکومت دمکراسی و تشکیل پارلمان در ایران اشاره می‌کند و خود این مطلب را در اولین شماره روزنامه مورخ ۳۰ رجب ۱۳۰۷ ه.ق چنین توضیح میدهد «ما چند نفر که بسعادت بخت و بتقدیر الهی مؤسس این جریده قانون شده‌ایم، برذمت دولت پرستی خود حتم کرده‌ایم که از روی علم و سرمشقهای دنیا بقدری که در قوه ما باشد بخلق ایران یاد و نشان بدهیم که از برای اجرای قوانین چه نوع همت و چه قسم مساعی بکار برند.» «و از این ناله ما مقصود بهیچوجه این نیست که یعنی در ایران قانون خوب نوشته نشده است، کتب ما و سینه علمای ما پر است از قوانین خوب حرف در اجرای آنها است...»

روزنامه قانون در میان روزنامه‌های ملی جنبه انقلابی برگزیده و سهم بیشتری نسبت به دیگر جراید در بیداری و تحول افکار توده مردم داشته است و در این مورد ادوارد براون بحق می‌گوید «این روزنامه در عقاید و افکار مردم انقلاب عظیمی بوجود آورد، مقام و موقعیت تاریخی این روزنامه و بطور کلی آثار نویسنده آن از لحاظ سیاسی مأخذ عمده بانیان انقلاب و تجدد ایران و پدید آوردندگان نهضت آزادی بشمار میرود.» و ما در اینجا بنقل پاره‌ای از مندرجات شماره‌های مختلف روزنامه مزبور که مربوط بمجلس و لزوم اجرای قوانین در ایران است اشاره می‌کنیم:

در ذم از سیاست اداری مملکت در اولین شماره روزنامه ۳۰ رجب ۱۳۰۷ ه.ق، چنین می‌نویسد: «ایران مملو از نعمات خداداد است، چیزی که همه این نعمات را باطل گذاشته نبودن قانون است هیچکس در ایران مالک هیچ چیز نیست، زیرا که قانون نیست، حاکم تعیین نمیکنیم بدون قانون، سرتیپ معزول نمیکنیم بدون قانون، حقوق دولت را میفروشیم بدون قانون، بندگان خدا را حبس نمیکنیم بدون قانون، شکم پاره نمیکنیم بدون قانون، در ملک که هیچکس مأذوق نباشد لفظ قانون و اسم حقوق بزبان بیاورد... در ملک که هر جاهل نانجیب بتواند بر مسند وزارت خود را مالک رقاب کل ملت قرار بدهد در آن مملکت همت ملوکانه و عدالت ظل الهی چه معنی خواهد

۱- در روزنامه مزبور بغیر از چند شماره اول تاریخ انتشار آنها دیده نمی‌شود.

داشت...»

در صفحه سوم از شماره دوم مورخ ۳۰ شعبان ۱۳۰۷ ه.ق در باب دستگاه اجرای قانون (مجلس وزراء) در ضمن انتقاد از دستگاه شورای دولتی نظریات اصلاحی خود را با این بیان بولیای امور تذکر می‌دهد: «اینقدر که از قانون می‌گوییم، قانون را در کجا و چه نوع اشخاص باید ترتیب بدهند، ترتیب قانون در ایران باید کار مخصوص مجلس شورای دولت باشد، و از برای اینکه شورای دولت ایران معنی پیدا کند دو شرط لازم است: ۱- حقوق و قدرتی که لازمه این مجلس است باید باین مجلس داده شود، مجلس شورای دولت باید اختیار کامل داشته باشد که بر جمیع مصالح بزرگ دولت با آزادی مذاکره کند و بر هر یک از مواد لازمه با کثرت آراء و بتصدیق پادشاه قوانین وضع کند.» عدد مشیران شورای دولتی خیلی کم است، باید دایره این مجلس را بقدر امکان وسعت داد، باید مجتهدین بزرگ و دانشمندان نامی و ملاهای قابل و اعیان هر ولایت، حتی جوانان با علم از اعضای این شورای کبرا باشند، باید بزرگان دین و دولت و عموم ارباب شعور باقتضای بیداری این عهد باتفاق همدیگر دور این مجلس را بگیرند و بهر نوع تدبیر بخلق ایران حالی نمایند که احیای ایران بسته با اجرای قانون و اجرای قانون بسته باعتبار و کفایت این مجلس است...»

ملکم خان در شماره چهارم روزنامه قانون مورخ ۳۰ شوال ۱۳۰۷ ه.ق نظریات خود را درباره تفکیک قوای مملکت براساس حکومت مشروطه و لزوم مجلس شورای ملی بیان داشته است و این معنی را در مضمون نامه‌ای که قبل از انتشار جریده قانون بعرض اعلیحضرت ناصرالدینشاه پادشاه وقت ایران رسانده است با این عبارت نقل مینماید. «سوء حرکات وزراء ایران بهیچوجه از سوء خلقت ایشان نبوده است، عیب اصلی در اینست که هنوز به ذهن طوایف آسیا نرسیده است که در مقابل قدرت وزراء چه نوع سد اعتدال میتوان برقرار کرد. در سایر دول بجهت تحدید حرکات حکمرانی، قوانین متین و مجالس معتبر برپا نموده‌اند. شخص یکنفر پادشاه هر قدر هم جامع فضائل باشد چگونه ممکنست به تنهایی بتواند اقتدار عمال یک دولت بزرگ را در هر نقطه امور بر سر اعتدال نگاه بدارد...»

و نیز در شماره مورخ ۳۰ ذیحجه سال ۱۳۰۷ ه.ق. در باب لزوم تأسیس مجلس شورای ملی چنین اشاره مینماید «بعضیها چنین تصور میکنند که ما میخواهیم بواسطه

این جریده در ایران قانون تازه نشر بدهیم، این تصور بکلی غلط است ما اصلاً حرف و منظوری نداریم که یک مسلمان با شعور فی‌الفور تصدیق نکند؛ مثلاً ما می‌گوئیم از برای اینکه دولت و خلق ایران بتوانند بعد از این در دنیا زندگانی بکنند لامحاله باید جان و مال و ناموس و حقوق آنها در پناه عدالتخانه‌هایی از شر تعدی کاملاً ایمن و محفوظ باشند. می‌رسید راه کدام و چاره چیست؟

جواب ما و جواب دنیا منحصر است باین دو کلمه: قانون. بسیار خوب آقا حرف در اینست که ما این قانون را از کجا تحصیل بکنیم و چطور مجرا بداریم... در صفحه دوم ستون اول همین شماره: در مورد حصول قانون با این بیان متذکر میشود: باید اقلاً صد نفر از مجتهدین بزرگ و فضیلتی نامی و عقلای معروف ایران را در پایتخت دولت در یک مجلس شورای ملی جمع کرد و بآنها مأموریت و قدرت کامل داد که اولاً آن قوانین و آن اصولی که برای تنظیم ایران لازم است تعیین و تدوین و رسماً اعلام نمایند. ثانیاً موافق یک قرار مضبوط خود را یعنی آن مجلس شورای ملی را مواظب و مراقب و موکل اجرای قانون قرار بدهند. بدون این شرط آخری یعنی بدون وجود یک مجلس ملی که دائم مراقب اجرای قوانین باشد، بهترین قوانین دنیا بی‌اثر و بی‌معنی خواهند ماند... و نیز در شماره ۱۸ از روزنامه مزبور ملک‌خان لزوم مسئولیت هیأت وزراء را در مقابل مجلس شورای ملی با این بیان توضیح میدهد: «همه وزراء باید در حضور مجلس شما مسئول باشند یعنی مجلس شما حق خواهد داشت که هر وزیری که در اداره امور دولت برخلاف قانون حرکتی کرده باشد او را بمقام محاکمه بیاورد و پس از اثبات تقصیر او را موافق قانون تنبیه نماید.» درباره وظایف مجلس در همین شماره چنین اشاره مینماید. جمع و خرج دولت باید تماماً باطلاع و اجازه مجلس شما باشد باین معنی که هر سال قبل از وقت باید بحکم یک قانون صریح نقطه به نقطه مقرر بدارید که وزراء دولت باید چقدر مالیات بگیرند و بچه تفصیل خرج بکنند. باید نصب شما در این مجلس مشیران بحکم قانون، و انفصال شما از این مجلس بحکم قانون باشد در اکثر شماره‌های روزنامه قانون، علاوه بر سرمقاله‌های انتقادی، صفحات روزنامه بنقل نظریات و عقاید آزادیخواهان و پیروان مکتب آدمیت، بصورت نامه‌های رسیده بدفتر روزنامه و گاهی جوابهایی که بآنها داده میشود اختصاص دارد. و ما بنقل از شماره ۶ روزنامه مزبور بنامه یکنفر از تجار قزوین که بروزنامه مزبور فرستاده است اشاره می‌کنیم.

در شماره ششم مورخ ذیحجه سال ۱۳۰۷ ه.ق. صفحه ۳ تحت عنوان مضامین و مطالبی که از ایران رسیده، چنین آورده است: «یکی از تجار قزوین مینویسد، کسی نیست از این جوان نجیب بپرسد؛ این حقوق و این امتیازات دولت ما را بچه قانون باوباش خارجه می‌فروشد، این معاملات تجارتنی موافق شرع اسلام و موافق قانون هر دولت، حق و مال خلق این ملک است، این معاملات وسائل و سرمایه گذاران ما هستند. شما این وسائل گذران مسلمین را بچه جسارت بکفار می‌فروشید مگر خلق ایران واقعاً مرده‌اند که ترکه آنها را اینطور حراج میکنید...»

جواب: سر کار تاجر، اینها حق دارند که ما را بکلی مرده بدانند. در ملکی که یک شعاع حیات دیده میشود و در گروهی که یک رگ حس باقی مانده باشد کدام وزیر نجیب میتواند اینهمه حقارت و پریشانی را بر آن ملک بار نماید...»

چون ناصرالدین‌شاه از ورود روزنامه «قانون» بایران ممانعت کرد، شماره‌های روزنامه مزبور بوسائل پنهانی بایران میرسید و در مجامع نهانی که از پیروان مسلک و مکتب ملک تشکیل می‌شد قرائت می‌گردید.

دیگر از روزنامه‌های معروف که تأثیر مهمی در انقلاب ایران برعهده داشته است روزنامه «حبل‌المتین» است که در کلکته از سال ۱۳۱۱ ه.ق. مطابق با ۱۸۹۲ میلادی بمدریت سید جمال‌الدین‌الحسینی ملقب بمؤیدالاسلام انتشار یافت. با اینکه توزیع این روزنامه در ایران از طرف دولت بمدت چهار سال ممنوع گردیده بود، باز هم آن روزنامه بوسائل مختلف بایران می‌رسید و خوانندگان بسیاری داشت. حبل‌المتین قبل از مشروطیت با تیراژ پنجمزار نسخه در هفته منتشر میشد، ولی پس از اعلان مشروطیت و آزادی مطبوعات روزنامه حبل‌المتین بصورت روزانه و در خود ایران انتشار یافت. روزنامه مزبور در میان روزنامه‌هایی که در خارج انتشار پیدا میکرد، در بیداری افکار ایرانیان تأثیر بسزایی داشت و حاوی اخبار داخله ایران و اخبار سیاسی و اقتصادی ممالک غربی بود و بطریق مختلف اوضاع اجتماعی ایران را انتقاد میکرد و با نشان دادن پیشرفت‌های ممالک غربی و متمدن اثبات می‌کرد که پیشرفت ایران در استقرار حکومت قانونی و اخذ تمدن غرب میباشد. و برای مثال نمونه یکی از سرمقاله‌های آنرا تحت عنوان

«اصطلاحات جدید یا خیالات عالیّه وزیر اعظم» نقل می‌کنیم.

در شماره ۳۷ - ۱۳ ربیع‌الثانی سال ۱۳۲۲ ه.ق. در اثبات حکومت قانون بمنظور اصلاح اوضاع ایران چنین می‌نویسد: «فعلاً امریکه محتاج باصلاح و قوام ملک و ملت منوط بوجود آنها میباشد، امریست چند که بترتیب ذکر نموده صورت اصلاح هر یک از آنها را مینماییم. اول آنها که عمده و مهم از همه و دوام سلطنت و ترقی و پیشرفت کار در جمیع امم منوط بوجود او شناخته شده وضع قوانین اساسی است مملکتی که دارای قانون نباشد، امید ترقی و فلاح از آن مقطوع است...» و در جای دیگر از این مقاله گوید: «بالجمله بجهت جعل قانون لازم است جمعی از مردمان بااطلاع از قوانین دول و هم از قانون اسلام گرد شوند تا آنچه را مناسب ملک و دولت و ملت و موافق شریعت اسلام یافته است انتخاب نمایند، اول باید ترجمه قوانین دول متمدنه را نموده بعد از آن میزان هر یک را با علت بطریق تناسب موازنه کرد تا هر کدام مناسب حال امروزی مملکت است انتخاب شود و نیز باید دانست که در این کار شخص واحد هر چند با علم و اطلاع باشد نمیتواند قانونی برای یک مملکت وضع نماید، پس ناچار محتاج بوضع انعقاد مجلس است.

بعضی مردمان ناقص‌العقل بی‌اطلاع را عقیده بر این است که جعل قانون و وضع نظام و ترتیب صحیح منافی با استقلال سلطنت و مانع از اختیارات کامله ذات اقدس همایونی است و حال آنکه این خبطی است بزرگ و خطائی فاحش. زوال سلطنت و انهدام در مملکتی ممکن نیست مگر در بی‌قانونی و ظلم شدید که خلق از شدت ظلم و اعتساف بستوه آمده اقدام بحركات ناشایسته نمایند. و بالعکس عدل موجب تعمیر بلاد و رفاه عباد و امتنان از ذات اقدس همایونی و تشکر و دعاگوئی در حق دولت است و عمده فایده آن راجع بشخص سلطان است... آقا میرزا علی اصغرخان صدراعظم سابق ایران دید اجرای قانون منافی با خیالات او است چرا که در ظل قانون حيله و تقلب و دسیسه کمتر ممکن شود و سد مداخل و هواجس نفسانی و خیالات شیطنانی عام و خاص خواهد شد، و نیز مملکت ایران ترقی فوق‌العاده حاصل نموده تالی ژاپون شده که امروز با یکی از قویترین دول اروپا دعوی تقابل بلکه تقدم و تفوق مینماید (راستی خوبست در اینجا شمه‌ای از وضع مجلس شورای دولتی ژاپون ذکر شود و معلوم گردد که در سایه نظام صحیح چه کارها، میتوان کرد) پس از توصیف از سازمان دو مجلس

در مملکت ژاپون چنین نتیجه می‌گیرد... «حالا باید تصور نمود که آیا بواسطه افتتاح این دو مجلس و وضع قانون در این مملکت هیچ صدمه‌ای بعزت و سلطه و نام میکادو وارد شده...؟ همه کس میدانند که هیچیک از اینها نشده و بالعکس ملت او را پرستش مینماید و پدر بلکه خدای خود میشناسند نام نامیش عالم را فرا گرفته، در پرتو همین دو مجلس و قانونست که این همه ترقیات محیرالعقول حاصل نموده و بر چین مسلط شده، کوبا را تصاحب کرده و امروز دولت روس را متزلزل نموده است.

در باره روزنامه حبل‌المتین در تاریخ جرائد و مجلات چنین آمده است: «این روزنامه بزرگترین خدمت را ببرقراری اساس مشروطیت و آزادی ایران نمود، مدیر این روزنامه از پیروان سید جمال‌الدین اسدآبادی است و در سال ۱۳۱۱ ه.ق. که در هندوستان بود و سید جمال‌الدین هم در انگلستان و پرنس ملکم‌خان وزیر مختار ایران در لندن بود، در نتیجه مکاتبات بین سه آزادیخواه نامبرده چنین اتفاق نظر حاصل شد که ایرانیان احتیاج بانقلاب و رفرم فکری دارند و این انقلاب جز از راه جراید آزاد طریق دیگر ندارد، این هم آهنگی بین سه نفر فوق باعث انتشار روزنامه قانون در لندن و حبل‌المتین در کلکته گردید».

روزنامه پرورش و ثریا را بعد از روزنامه قانون میتوان از مهمترین روزنامه‌های انقلابی دانست ادوارد برون برای روزنامه‌های فوق سهم عظیمی در تهییج و بیداری افکار عامه قایل است و ایندو روزنامه را منادی شکایات و مظهر عدم رضایت و نفرت عامه از اصول اداره موجود و هیأت حاکمه میدانند».

روزنامه پرورش در قاهره بسر دبیری و مدیری میرزا علی محمد پرورش بطور هفتگی در سال ۱۳۱۸ ه.ق. مطابق با ۱۹۰۰ میلادی و روزنامه ثریا در قاهره بمدیریت میرزا علی محمدخان کاشی بطور هفتگی بسال ۱۳۱۶ ه.ق. مطابق ۱۸۹۸ میلادی منتشر شده است.

روزنامه اختر را باید از زمره نخستین روزنامه‌های فارسی که در خارج از ایران انتشار پیدا کرده دانست، روزنامه مزبور در اسلامبول بمدیریت محمد طاهر تبریزی در

۱- تاریخ جرائد و مجلات تألیف محمد صدرهاشمی ج ۲

۲- تاریخ مطبوعات ادوارد برون: ج ۱

سال ۱۲۹۲ ه.ق. منتشر شده و مطالب آن تأثیری عمیق در افکار باقی گذاشت.

بطور کلی سهم روزنامه‌هایی که در خارج از ایران انتشار مییافت بسبب آزادی قلم در شکل دادن بافکار عمومی و باز کردن راه انقلاب مشروطیت قابل ملاحظه بوده است.

پس از اعلام مشروطیت و آزادی مطبوعات تعداد و تیراژ روزنامه‌ها افزایش کلی یافت چنانکه از مجموع ۲۱۰ روزنامه‌ای که از سال ۱۲۵۳ ه.ق. چه در ایران و چه در خارج از ایران و بزبان فارسی از طرف ایرانیان تا تاریخ ۲۵ - ۱۳۲۶ ه.ق. انتشار یافت، بیش از ۵۰ درصد آنها در خلال سالهای ۲۵ و ۱۳۲۶ ه.ق. و بعد از مشروطیت بوده است. بموجب آماری که ادوارد برون می‌دهد، تیراژ روزنامه‌ها پس از انقلاب افزایش قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد چنانکه تیراژ روزنامه‌ها مساوات که از جراید مهم و مؤثر انقلاب شمرده میشد به ۳ هزار و از آن روزنامه‌ها صور اسرافیل به ۵ هزار و تعداد نسخ روزنامه‌ها مجلس بتدریج از ۷ هزار به ۱۰ هزار و از آن روزنامه‌ها انجمن ملی تبریز به ۵ هزار نسخه میرسیده است. روزنامه‌ها صور اسرافیل در تهران بمدیر میرزا جهانگیرخان شیرازی و میرزا قاسم خان تبریزی در سال ۱۳۲۵ ه.ق. منتشر شد و بسبب تفسیر و نشر اخبار سیاسی روز تحت عنوان چرند و پرند بقلم علی اکبرخان دهخدا محبوبیت بی‌اندازه‌ای پیدا کرد و مورد پسند کلیه طبقات ملت قرار گرفت و ما در اینجا بعنوان نمونه بنقل یکی از سرمقاله‌های روزنامه‌ها فوق تحت عنوان چرند و پرند که با سبک و شیوه خاصی به تحلیل اوضاع سیاسی و اجتماعی روز پرداخته است میپردازیم.

دهخدا در شماره ۲۹ روزنامه صور اسرافیل با قلمی شیرین و ساده مسئله نفوذ و مداخله خارجی‌ان را در امور داخلی ایران و مخالفت آنها با هر گونه اجرای نقشه‌های مترقیانه بیان داشته است: «همه ملل دنیا چه بواسطه اخبار انبیاء و چه بواسطه پیش‌بینی حکمای خود منتظرند که یكروز دنیا نمونه بهشت عدن بشود، ما ایرانی‌ها هم در قدیم می‌گفتیم که نور بر ظلمت غلبه کند و حالا می‌گوئیم زمین پر از عدل و داد شود پس از آنکه پر از ظلم و جور بود.

من هرچه که ایرانی و مسلمان بودم اما بازگاهی که محمد اوف‌ها در آذربایجان و مرتضویها را در «زنوز» و صدرالعلماءها را در یزد و شریعتمدارها را در رشت و اقبال‌الدوله‌ها را در محمد آباد، و حاجی ملک‌التجارها را در گودزورخانه، و مجدالاسلامها

را در سفارتخانه‌ها میدیدم یک چیزی مثل بال بعوضه برخلاف عقیده مذهبی خودم بذهنم خطور میکرد و میگفتم بلکه استغفرالله استغفرالله این اخبار راجعه باصلاح دنیا مثل خیلی از مطالب دیگر برای ارشاد عوام و محمول بر حکمتی باشد، اما بعد زود ملتفت میشدم که این وسواس شیطان است که میخواهد عقاید مرا سست کند آنوقت زود دو دفعه استغفار میکردم و یکدفعه میان انگشت شست و سبابه‌ام را گاز میگرفتم و دو سه دفعه تف تف میکردم و از گیر شیطان لعنتی خلاص میشدم. اما حالا دیگر بدون یک ذره تردید می‌فهمم که راستی راستی دنیا رو بترقی میرود و بنی نوع انسان روزبروز بمحبت و مودت نوعی و انتشار عدالت مطلقه در دنیا میل میکنند و ازین معلوم میشود که واقعاً یكروز دنیا پر از عشق و محبت و تسویه و عدالت کلی شده «دوره طلایی» شعرا برمیگردد. برای اثبات این مدعا مجبورم که مثالی برای شما بیاورم که قدری مطلب واضحتر بشود.

در زمان طفولیت در «برلن» یک روز تعطیل صنایع‌الدوله از مدرسه بیرون آمده بحوالی شهر بگردش رفت هوا خیلی سرد و بقدر یکوجب هم برف روی زمین نشسته بود خود صنایع‌الدوله هر چند لباسهایش کوک بود اما باز احساس سرما را بخوبی میکرد. یکدفعه دید که صدای سوت «ماشینی» بلند شد و پشت سرش سرو کله «لوکوموتیف» با دویست و پنجاه و پنج اطاق و هفت هزار و پانصد و نود و یک مسافر نمودار گردید. صنایع‌الدوله گذشته از اینکه از تماشای این منظره غریب خیلی خوشش آمد بفکر عمیقی هم فرو رفت، در آن عوالم بچگی بخودش میگفت که ببین این مسافرها از کجا می‌آیند؟ از چین؟ از جابلقا جابلسا؟ نزدیکیهای کوه قاف خدا میداند، اما ببینید که چطور درین هوای سرد اطاقهایشان گرم، ناهار و شامشان حاضر. اسباب شست و شوشان مهیا و کتاب و روزنامه‌شان آماده مثل اینکه درست توی خانه‌های شخصی خودشان هستند! بعد از این فکرها گفت: خدایا من نذر کردم که اگر این هفته یک کاغذ خوبی از تهران رسید همانطور که استدعا کردم هفته‌ای «دو مارک» بخرج جیبی من افزودند منم وقتی بزرگ شدم و به تهران برگشتم در ایران ازین راه آهن‌ها درست کنم.

او این خیالها را در خاطر جولان میداد و قطار راه آهن هم کم کم ازو دور میشد تا وقتی که بکلی از نظرش ناپدید شد و او هم برای پختن این فکر تازه خودش بمدرسه برگشت. این خیال عهد کودکی عاده بایستی چند دقیقه، چند ساعت یا منتها دو سه

روز دوام کرده و بعد فراموش شود، اما بعکس هرچه صنیع‌الدوله بزرگتر شد این خیال هم با او بزرگ شد. کم کم دیگر شبها نخواستید روزها آرام نگرفت هی نوشت و نوشت حساب کرد نقشه کشید تا وقتی که بعد از سی چهل سال وزیر مالیه ایران شد. حالا دیگر وقتی بود که خیالات چهل ساله خودش را بمحل اجرا بگذارد. حالا موقعی بود که تمام شهرهای ایران را بواسطه راه آهن بهم متصل نماید، اما اینکار پول لازم داشت، بخزانة دولت نگاه کرد دید مثل مغز منکرین استقراض خالی است، بدهنه جیب تجار و شاهزادگان ایران تماشا کرد دید با قاطمه بخیه دورو زده‌اند عاقبت عقلش باینجا قد داد که یک مالیات غیر مستقیم ببعضی از واردات ببندد و بوسیله این مالیات کار خیال یک عمر خود را محکم کند و راستی هم نزدیک بود کار تمام بشود که یکدفعه برادرهای روز بد ندیده، در تمام انگلستان، در تمام روسیه یک شور و غوغائی برپا یک قیامت والم سرائی راه افتاد که نگو نپرس، داد، فریاد، بگوواگو، قشقرق همه دنیا را پر کرد. این شور و غوغا از کجا بود؟ از طرف انجمنهای حامیان حیوانات «سوسیته پروتکتوردانیمو» شاید بعضی هموطنان ما اسم این جمعیت را نشنیده و از مقصود آنها اطلاعی نداشته باشند، بله، اروپائی‌ها عموماً و همسایه‌های ما خصوصاً همانطور که انبیاء خبر داده‌اند و حکما پیش‌بینی کرده‌اند کار عدل و انصاف و مروت را بجایی رسانده‌اند که گذشته از اینکه هوادار تمام ملل مشرق زمین میباشند، گذشته از اینکه میلیاردها برای آزاد کردن سیاه‌پوستها خرج میکنند حالا میگویند که ما حیوانات را هم نمی‌گذاریم بعد از این اذیت کنند، بحشرات و سباع هم مانع میشویم که آزاری وارد بیارند، ازین جهت انجمن‌ها مجمعه‌ها، جمعیت‌ها و هیئت‌های بزرگ برای اینکار تشکیل کرده‌اند. حالا لابد خواهید پرسید که این انجمنها چه ربطی براه آهن ایران دارد. هان! همین جاهاست که من میگویم شما از مرحله پرتید!! درست گوش بدهید ببینید اگر ایندو مطلب من بهم ربط نداشت من هم اسم خودم را برمیکردانم و بجای دخو بعد از این بخودم و کیل خطاب میکنم. خوب ما گفتیم که انجمن‌های زیاد در اروپا تأسیس شده که مقصودش حمایت حیوانات است، بله! جناب صنیع‌الدوله هم میخواهد در ایران راه آهن بکشد همچو نیست؟ خیلی خوب، نتیجه چه خواهد شد؟ نتیجه این نخواهد شد که چل صد هزار رأس الاغ، شتر و قاطر دستشان را بگذارند رو هم بنشینند و مثل انجمن شصت نفری بعد از تشریف فرمائی احتشام‌السلطنه و میرزا آقای اصفهانی بربر بروی هم نگاه کنند؟.

خوب، اینها زبان ندارند که مثل جناب سعدالدوله بردارند روزنامه چاپ کنند و بگویند بی‌انصافها چرا کار ما را از دست ما میگیرید؟ چرا ما را خانه‌نشین میکنید؟ اما انصاف و مروت اروپائیها که جائی نرفته، فطرت پاک آن آسایش خواه‌های عمومی که سر جای خودش است. این بود که آنها هم برداشتند تلگراف کردند بسفارت‌خانه‌های خودشان که باین ایرانی‌های وحشی بگوئید که اگر شما راه آهن کشیدید و حیوانات بارکش را بیکار و سلندر گذاشتید ما هم از روی قوانین حقوق بین‌الملل حقاً می‌آئیم و شما را مثل «کپسول ساتال» و «کوپاهو» دانه دانه قورت میدهیم.

حالا راستی راستی که نمی‌آمدند ما را قورت بدهند. اما از همین اقدامات بما ایرانیها بلکه تمام ملل مشرق زمین فهماندند که «عصر طلائی» برگشته، زمان ظهور اخبار انبیاء و حکماء نزدیک شده و آسایش مطلقه تمام دنیا را از ماهی‌های دریا تا مرغهای هوا فرا گرفته است. منتهی همسایه‌های نوع پرست ما درین راه پیش قدم شده‌اند. باری مطلب خیلی داشتم و میخواستم بیش ازین دردسر بدهم. اما نمیدانم چطور شد که حواسم رفت پیش عهدنامه‌های منعقدۀ مابین دولت علیه ایران و دول متحابه و بعد هم این شعر عربی امرؤالقیس یادم آمد که میگوید:

«از چشم خود بپرس که ما را که میکشد جانان گناه طالع و جرم ستاره چیست؟»
بی‌مناسبت نیست در میان روزنامه‌هایی که پس از پیروزی نهضت مشروطیت در ایران انتشار پیدا کرد از روزنامه مجلس بمدیریت میرزا محمد صادق طباطبائی نام برد. روزنامه مزبور در سال ۱۳۲۴ ه.ق مطابق با ۲۵ نوامبر ۱۹۰۵ میلادی بطور روزانه در تهران انتشار یافت و اخبار مجلس اول را منتشر کرد.

از روزنامه‌های معروف و انقلابی دیگر که بعد از نهضت مشروطیت انتشار پیدا کرد روزنامه ایران نو «ارگان حزب دموکرات ایران» است که اولین روزنامه بسبک اروپائی بود، مطالب و مندرجات آن با اینکه مورد اعتراض روحانیان نجف واقع شد و بیانیه‌ای نیز مبنی بر منع مسلمانان از مطالعه آن صادر گردید باز هم ناشر آن با پشتکاری خستگی‌ناپذیر علی‌رغم توقیفهای متعدد بکار خود ادامه داد. روزنامه مزبور بمدیریت سید محمود شبستری آذربایجانی ملقب به ابوالضیاء و نویسندگی محمد امین رسولزاده در سال ۱۳۲۷ ه.ق در تهران انتشار یافته است از جمله انتشارات و مطبوعات دیگری که کمک شایان توجهی به بیداری ایرانیان کرد، کتابهای حاج میرزا عبدالرحیم